

حق بر فراموش شدن و چالش‌های پیش روی آن

رضا اسلامی*

فریناز فیضی**

چکیده

مقاله حاضر نخست به مسأله اهمیت و تأثیر مثبت اینترنت در زندگی بشر امروز می‌پردازد و در عین حال تهدیدهایی که در نتیجه حذف نشدن داده‌های شخصی کاربران در این محیط می‌تواند متوجه آنها باشد را مورد بررسی قرار می‌دهد. این مقاله سپس مسأله امکان حذف داده‌های شخصی از اینترنت که از آن تحت عنوان حق بر فراموش شدن یاد می‌شود را مورد مطالعه قرار می‌دهد و استانداردهای اروپایی در ارتباط با حفاظت از داده‌ها و خودمختاری اطلاعاتی را بررسی می‌کند. مقاله حاضر در پی پاسخ به این سؤال است که کدام چالش‌های نظری و عملی پیش روی حق بر فراموش شدن در حوزه‌های مربوط به شناسایی این حق و نیز اجرای آن وجود دارد و ضمن تجزیه و تحلیل رابطه میان حق بر فراموش شدن و آزادی بیان، به‌عنوان یکی از اصلی‌ترین چالش‌های پیش روی این حق، پیشنهادهایی را به‌منظور حل تعارضات موجود میان این دو حق ارائه می‌دهد.

کلیدواژه‌ها: حق بر فراموش شدن، حفاظت از داده‌ها، حق حریم خصوصی، حق آزادی بیان، مقرر عمومی حفاظت از داده‌های اتحادیه اروپا.

someal@yahoo.com

farinazfz67@gmail.com

* عضو هیأت علمی دانشکده حقوق دانشگاه شهید بهشتی (نویسنده مسئول)

** دانشجوی دکتری حقوق بین‌الملل دانشگاه تهران

مقدمه

پیدایش فناوری‌های نوین از جمله پدیدارهای اجتماعی است که واکنش حقوق را در پی دارد.^۱ با پیدایش فناوری‌های بشری، حقوق و تکالیف انسان‌ها در رقابت با یکدیگر قرار گرفته و همچنین چالش‌های متعددی در این رابطه شکل می‌گیرد. در اواخر قرن بیستم میلادی، ظهور حجم انبوهی از فناوری‌های نوین بحث‌های حقوقی گسترده‌ای را در سطوح ملی و بین‌المللی مطرح کرد. این فناوری‌ها در کنار کارکردهای مثبت و سازنده خود همواره تهدیدهایی را در پی داشته‌اند، به‌گونه‌ای که گاه بشر در مواجهه با آنها بی‌دفاع و آسیب‌پذیر به نظر می‌رسد.

امروزه مباحث گوناگونی پیرامون اینترنت، به‌عنوان یکی از بزرگ‌ترین دستاوردهای تمدن بشری شکل گرفته که مقوله حق بر فراموش شدن در فضای مجازی یکی از جدیدترین و بحث‌برانگیزترین آنها است. برخلاف هر محیط دیگری، فضای مجازی فضای غیرقابل لمس، غیرقابل شناسایی و نامحدود است که فاقد هرگونه خصیصه طبیعی شناخته‌شده می‌باشد^۲ و از این‌رو در کنار پیامدهای مثبت، معضلات نوظهوری را نیز به دنبال می‌آورد. در این راستا عمده صاحب‌نظران حوزه حقوق بشر و اینترنت بر این باور هستند که اینترنت به اندازه نقاط قوت خود، نقاط ضعف نیز دارد.^۳ در حال حاضر بخش عمده‌ای از اطلاعات مربوط به افراد در قالب حافظه‌های دیجیتال و نیز داده‌های شبکه، از جمله اینترنت ثبت و ضبط می‌شود که برای مدت زمانی نامعلوم و چه‌بسا برای همیشه قابل بازیابی و دسترسی خواهند بود. در چنین وضعیتی می‌توان گفت که اینترنت بیشتر از آنچه که افراد درباره خود به یاد آورند، درباره آنها می‌داند.^۴ در کنار حجم وسیعی از اطلاعات شخصی که توسط اشخاص وارد فضای اینترنت می‌شود، میزان قابل توجهی از اطلاعات درباره اشخاص نیز توسط سازمان‌های دولتی و خصوصی که به کار جمع‌آوری و ذخیره‌سازی اطلاعات در پایگاه‌های اطلاعاتی خود

۱. حبیب‌زاده، طاهر، حقوق فناوری اطلاعات: مقدمه‌ای بر تجارت الکترونیک، جلد اول، مرکز پژوهش‌های مجلس شورای اسلامی، ۱۳۹۰، ص. ۱۴.

2. Rosenne, Shabti, *The Perplexities of Modern International Law, General Course of Public International Law*, Nijhoff, 2003, p. 349.

۳. هیک، استیون؛ و اریک هوسکینز، حقوق بشر و اینترنت، ترجمه قاسم زمانی، انتشارات خرسندی، چاپ دوم، ۱۳۹۲، ص. ۲۸۰.

4. Mayer-Schonberger, Victor, *Delete: The Virtue of Forgetting in The Digital Age*, Princeton University Press, 2011, p.7.

می‌پردازند، در فضای وب تهیه و منتشر می‌شوند.^۱ بخش عمده پایگاه‌های اطلاعاتی برای مقاصد مربوط به سیاست عمومی مورد استفاده قرار می‌گیرند و وبسایت‌های مربوط به این پایگاه‌ها نیز حاوی بخش قابل توجهی از اطلاعات مربوط به شهروندان هستند.^۲ آرشیوهای اینترنتی روزنامه‌ها اخبار و اطلاعات گسترده‌ای را در خصوص افرادی منعکس می‌کنند که به نحوی سوژه خبرها و آگهی‌ها بوده‌اند. این اطلاعات آرشیوی، گروه دیگری از اطلاعات خام مربوط به افراد را تشکیل می‌دهند که می‌توانند تا زمانی نامعلوم در فضای مجازی باقی بمانند و اشخاص ثالث را به سمت کسب اطلاع از گذشته افراد که به نوعی در این صفحات اینترنتی منعکس شده‌اند، هدایت کنند. وبسایت‌ها و وبلاگ‌ها نیز می‌توانند به‌طور مستقیم یا غیرمستقیم در بردارنده اطلاعات مربوط به افراد باشند.

در چنین اوضاع و احوالی پیش‌نویس مقرر عمومی حفاظت از داده‌ها برای اولین بار از حق بر فراموش شدن در اینترنت سخن گفته است. با این حال سابقه این حق به پیش از طرح این مفهوم در سند مذکور بازمی‌گردد. دستورالعمل حفاظت از داده‌های اتحادیه اروپا که در سال ۱۹۹۵ تصویب شد نیز به‌طور ضمنی در بردارنده این حق است. با وجود این، رد پای این حق را می‌توان پیش از طرح در این اسناد در اسناد ملی، منطقه‌ای و حتی جهانی مشاهده کرد. به هر حال، همه نشانه‌هایی که در اسناد و دکترین حقوق بین‌الملل در خصوص طرح و بحث این حق مشاهده می‌شود را می‌توان مربوط به دورانی دانست که بشر با استفاده از فناوری‌های نوین به حافظه دقیق، دایمی و نسیان‌ناپذیر دست یافته است.

از زمان طرح مقوله حق بر فراموش شدن تردیدهایی در زمینه چالش‌های احتمالی که ممکن است در ارتباط با این حق وجود داشته باشد، مطرح شده است. از این‌رو پژوهش حاضر می‌کوشد به این سؤال اساسی پاسخ دهد که چه چالش‌ها و معضلاتی پیش روی نظام حقوقی طراحی شده برای حق بر فراموش شدن وجود دارد. به نظر می‌رسد که یکی از نگرانی‌هایی که به‌طور جدی در ارتباط با حق بر فراموش شدن وجود دارد، احتمال بروز چالش میان این حق با حق آزادی بیان است. از سوی دیگر با توجه به کاستی‌هایی که در نظام حقوقی طراحی شده برای حق بر فراموش شدن وجود

۱. گزارشی که توسط نهاد حفاظت از داده‌های آلمان تهیه شده است، نشان می‌دهد که اطلاعات مربوط به یک شهروند معمولی آلمانی به‌طور متوسط در ۲۵۰ تا ۵۰۰ پایگاه اطلاعاتی وجود دارد و اطلاعات مربوط به شهروندانی که فعالیت‌های اجتماعی بیشتری دارند، حداکثر در ۱۰۰۰ پایگاه اطلاعاتی ذخیره شده است.

2. Koops, Bert-Jaap, "Forgetting Footprints, Shunning Shadows: A Critical Analysis of the Right to be Forgotten in Big Data Practice", Tilburg Law School Legal Studies Research Paper Series, No. 8, 2012, pp.6-7.

دارد، تردیدهایی را می‌توان نسبت به قابلیت اجرای مؤثر این حق مطرح کرد. نوشتار حاضر می‌کوشد تا ضمن بررسی ماهیت، مفهوم و مبانی حق بر فراموش شدن، چالش‌های احتمالی پیش روی این حق را شناسایی کند و به برخی تردیدها در خصوص رابطه این حق با سایر حقوق بشری به‌طور اجمالی پاسخ دهد. شایان ذکر است که در نگارش مقاله حاضر از روش تحلیل حقوقی و محتوایی استفاده شده است.

۱. مفهوم و مبانی حق بر فراموش شدن

از نخستین ایام حضور بشر در کره خاکی، دو خصیصه فراموشی و به‌خاطر سپاری همراه و ملازم وی بوده است. با وجود قدرت غیرقابل انکار ذهن بشر، حافظه ضعیف و سرشار از کاستی وی در جدالی همیشگی با فراموشی کوشیده است تا یادگارها و میراث گذشتگان را با استفاده از ابزارها و راهکارهای گوناگون، به نسل‌های بعد منتقل کند. در طول هزاران سال، فراموشی وضعیت اولیه حیات انسانی بوده و به‌خاطر سپاری امری استثنایی، جزئی و مستلزم صرف تلاش و هزینه بسیار به شمار می‌رفته است. رهاورد این نبرد مداوم، شکل‌گیری این تفکر در ذهن بشر بوده که از یک سو فراموشی ذاتاً امری نامطلوب و ناخواستی است و از سوی دیگر به‌خاطر سپاری فضیلتی سراپا منفعت و خیر می‌باشد.

در هر دوره تاریخی، انسان برای به‌خاطر سپردن هر آنچه که شایسته انتقال به آیندگان می‌دانست، اقدام به خارجی کردن اطلاعات می‌کرد و در این راستا به اقتضای زمان روش‌های گوناگونی را مورد استفاده قرار می‌داد. با این وجود کلیه روش‌هایی که بشر تا پیش از عصر دیجیتال برای خارجی‌سازی حافظه به کار می‌برد، نتوانستند وضعیت اولیه را تغییر دهند و همچنان فراموشی، اصل و وضعیت اولیه در حیات بشر بود و به‌خاطر سپاری امری استثنائی به شمار می‌رفت.^۱

با ظهور و گسترش تدریجی فناوری‌های دیجیتال، دریچه‌های تازه‌ای به سوی بهره‌مندی بشر از حافظه‌ای بی‌نقص و کامل باز شد. در این برهه از تاریخ بشری برای نخستین بار به‌خاطر سپاری، به جای فراموشی به وضعیت اولیه برای بشر مبدل شد و این روند با رشد و توسعه چشم‌گیر فناوری، تاکنون ادامه داشته است. در چنین شرایطی با توجه به آثار و پیامدهای بالقوه و بالفعل فراموش نشدن، تردیدهایی در خصوص مطلوبیت تاریخی آن در میان افراد و نیز جوامع انسانی پدید آمد. حافظه ابدی و فراموشی‌ناپذیر اینترنت، در کنار منافع و مزایای متعدد آن، می‌تواند این پدیده را به

1. Mayer-Schonberger, Victor, "Useful Void: The Art Of Forgetting in the Age of Ubiquitous Computing", Harvard University Faculty Research Working Paper Series, 2007, pp. 2-3.

ابزاری انتقام‌جو، خطرناک و گاه تحقیرکننده برای کاربران تبدیل کند، چرا که حجم عظیمی از سوابق، خاطرات و اشتباهات گذشته، اظهارنظرها، عکس‌ها و ویدئوهایی را نگه می‌دارد که شاید دیگر مطلوب افرادی که آنها را به اشتراک گذاشته‌اند، نباشد. به لحاظ فنی وقتی داده‌ای وارد فضای اینترنت می‌شود، هدف اولیه‌ای که پشت انتشار آن داده وجود داشته است موضوعیت خود را از دست می‌دهد. با وقوع چنین وضعیتی، راه برای هرگونه استفاده و سوءاستفاده از داده‌ها، قطع نظر از علت و چگونگی انتشار اولیه آنها هموار می‌شود.

۱-۱. مفهوم و تعریف حق بر فراموش شدن

تا پیش از ارائه طرح پیشنهادی کمیسیون اروپا تحت عنوان «پیش‌نویس مقررہ عمومی حفاظت از داده‌ها» در ژانویه ۲۰۱۲، عنوان حق بر فراموش شدن در متن هیچ سند قانونی ملی، منطقه‌ای یا بین‌المللی مورد اشاره قرار نگرفته بود. اما باید دقت داشت که از اواخر دهه نود میلادی وجود نیازهای اجتماعی، زمینه توجه دکتربین به حق بر فراموش شدن و طرح صریح آن را فراهم آورد و این اتفاق خود پیش‌درآمد شناسایی مستقل این حق در سندی قانونی به شمار می‌رود.

در راستای تبیین مفهوم حق بر فراموش شدن، تعاریف گوناگونی توسط اندیشمندان حوزه حقوق بشر و اینترنت ارائه شده است. برخی از تعاریف ارائه‌شده از این حق به شرح ذیل است: حق افراد و سازمان‌ها بر کنترل و تعیین اینکه چه زمانی، چگونه و تا چه حدی اطلاعات مربوط به آنها در اختیار دیگران قرار گیرد و یا به آنها مخابره شود.^۱ حق فرد نسبت به اینکه از هرگونه استفاده از اطلاعات مربوط به خود که می‌تواند آثار نامطلوب و مضری برای وی در پی داشته باشد، در امان باشد،^۲ حق کاربران فضای مجازی نسبت به کنترل و احتمالاً پاک کردن اطلاعات و داده‌هایی که از خود در اینترنت به جای گذاشته‌اند،^۳ حق اشخاص نسبت به مداخله در اطلاعات دیجیتال مربوط به خود که توسط کنترل‌کنندگان داده‌ها ذخیره شده‌اند،^۴ حق اشخاص و سازمان‌ها نسبت به درخواست پاک شدن اطلاعات مربوط به آنها، وقتی که آن

1. McNealy, Jasmine, "The Emerging Conflict Between Newsworthiness and the Right to be Forgotten", Northern Kentucky Law Review, Vol. 39, 2012, p. 121.
2. Murata, Kiyoshi; and Yohki Orito, "The Right to Forget/be Forgotten", Ethics in Interdisciplinary and Intercultural Relations, 2011, p. 192.
3. Werro, Franz, "The Right to Inform V. The Right to be Forgotten: A Transatlantic Clash", Georgetown University Research Paper No. 2, 2009, p. 285.
4. Korenhof, Paulan, "Forgetting Bits and Pieces: An Exploration of the Right to be Forgotten in Online Memory Process", Tilburg Institute for Law and Technology Working Paper Series, No.4, 2013, p. 6.

اطلاعات دیگر برای مقصودی که جمع‌آوری شده‌اند، لازم نباشد^۱ و نهایتاً حق اشخاص نسبت به درخواست اینکه اطلاعات خاص مربوط به آنها پاک شوند تا اشخاص ثالث دیگر قادر به شناسایی و ردیابی آنها در فضای مجازی نباشند.^۲ ویژگی مشترک همه تعاریف ارائه شده از حق بر فراموش شدن این است که مطابق همه آنها شخص حق دارد با تمهید اقداماتی پیشگیرانه اطلاعات مربوط به خود را که در فضای مجازی منتشر شده‌اند، اصلاح و حذف کند.

در کنار توجهاتی که دکترین نسبت به حق بر فراموش شدن داشته، در اسناد قانونی نیز به‌طور مستقیم و غیرمستقیم به این حق اشاره شده است. مطابق دستورالعمل حفاظت از داده‌های اتحادیه اروپا (۱۹۹۵) «داده‌های شخصی باید به گونه‌ای نگهداری شوند که شناسایی شخص موضوع داده‌ها برای مدتی بیش از آنچه که برای هدف جمع‌آوری یا پردازش داده‌ها ضروری است، اجازه داده نشود.»^۳ همچنین در ادامه به این نکته اشاره می‌شود که «داده‌هایی که در ارتباط با اهدافی که برای آنها جمع‌آوری شده‌اند یا مورد پردازش قرار دارند، نادرست یا ناقص هستند باید حذف یا اصلاح شوند.»^۴ این بخش از دستورالعمل حفاظت از داده‌ها بدون اشاره صریح به‌عنوان حق بر فراموش شدن، وضعیتی را مورد شناسایی قرار داده که تا حدودی قابل انطباق با مفهوم حق بر فراموش شدن و تعاریف ارائه‌شده از آن در دکترین است.

مقرره عمومی حفاظت از داده‌ها (۲۰۱۲) که در صورت تصویب توسط کمیسیون اروپا، جایگزین دستورالعمل فوق خواهد شد، در ماده ۱۷ ضوابط نسبتاً مفصلی برای حق بر فراموش شدن پیش‌بینی کرده است. به موجب این ماده، فرد موضوع داده‌ها حق دارد از کنترل‌کننده داده‌ها، پاک شدن و خودداری از انتشار بیشتر داده‌های شخصی مربوط به خود را درخواست کند. این ماده در ادامه شرایطی را برای اعمال این حق بیان کرده است که از جمله می‌توان به موارد زیر اشاره کرد: داده‌های شخصی در ارتباط با مقصودی که برای آن جمع‌آوری شده‌اند لازم و ضروری نباشند، موضوع داده‌ها از رضایتی که مبنای پردازش است عدول کرده، یا مدت زمانی که وی برای آن مدت

1. Lagone, Laura, "The Right to be Forgotten: A Comparative Analysis", Fordham University Working Paper Series, 2012, p. 5.

2. Mitrou, Lilian; and Maria Karyada, "EU's Data Protection Reform and the Right to be Forgotten", 5th International Conference of Information Law and Ethics, 2012, p. 8.

۳. ماده 6.1(e)

۴. ماده 6.1(d)

نسبت به پردازش داده‌ها رضایت داده است منقضی شده باشد،^۱ دیگر هیچ دلیل قانونی برای پردازش وجود نداشته باشد، موضوع داده‌ها مطابق مقررات پیش‌نویس نسبت به پردازش داده‌ها اعتراض کرده باشد و در نهایت اینکه پردازش داده‌ها بنا بر دلایل دیگر منطبق با مقررات پیش‌نویس مورد بحث نباشد.

علی‌رغم تلاش‌هایی که دکتین و اسناد حقوقی برای ارائه تعریفی دقیق و جامع از کلیه عناصر و فروض حق بر فراموش شدن انجام داده‌اند، همچنان خلأهایی در تعاریف ارائه شده به چشم می‌خورد و چارچوب‌های حقوقی ارائه شده برای این حق از کاستی‌هایی برخوردار است.

۲-۱. رویکردهای موجود در خصوص حق بر فراموش شدن

در راستای تبیین مفهوم حق بر فراموش شدن، به‌طور کلی می‌توان سه رویکرد مختلف را بر شمرد. نخستین رویکرد که مطابق آن از حق بر فراموش شدن به‌عنوان «حق بر حذف اطلاعات مربوط به افراد پس از گذشت مدت زمانی معین» تعبیر می‌شود، متضمن آن است که فرد باید این حق را داشته باشد تا از سایر اشخاص و سازمان‌هایی که اطلاعات مربوط به وی را در اختیار دارند، درخواست حذف آن اطلاعات را بنماید. به عبارت دیگر فرد حق دارد که از توانایی کنترل سوابق خود برخوردار باشد و در صورت لزوم از آنها فرار کند.^۲

در کنار رویکرد اول، تعبیر دیگری نیز وجود دارد که از آن تحت عنوان «لوح پاک» یاد می‌شود. این رویکرد بیش از هرچیز بر تمایل اشخاص به غیرقابل استناد بودن اطلاعات قدیمی علیه آنها تأکید دارد. به‌طور کلی این برداشت از حق بر فراموش شدن محدودتر از برداشت غالب است و به این دلیل که داخل در حوزه حقوق حفاظت از داده‌ها قابل طبقه‌بندی است، می‌توان برداشت اخیر را خاص و مفهوم اول را عام تلقی کرد. موضوع برداشت اول از حق بر فراموش شدن، پاک کردن داده‌ها است ولی موضوع برداشت موسوم به لوح پاک، مسدود و در نتیجه محدود کردن دسترسی دیگران به داده‌ها می‌باشد. با تأکید بر این مفهوم از حق بر فراموش شدن، برخی از نویسندگان از

۱. این امکان اگرچه در نگاه اول مثبت و مفید به نظر می‌رسد، ولی در عمل کارایی چندانی ندارد، زیرا عدول فرد موضوع داده‌ها از رضایتی که نسبت به پردازش داده‌های مربوط به خود ابراز کرده است، بر مشروعیت پردازش صورت‌گرفته قبل از عدول از رضایت تأثیری نمی‌گذارد. در تأیید این نکته، کارگروه ماده ۲۹ در نظریه خود در خصوص مفهوم رضایت بر این عقیده است که امکان ذخیره داده‌های جمع‌آوری شده توسط کنترل‌کننده حتی بعد از عدول موضوع داده‌ها از رضایت خود نسبت به پردازش داده‌ها وجود دارد. این در حالی است که برای مؤثر بودن حق بر فراموش شدن، لازم است که داده‌ها به‌طور کامل پاک شوند.

2. Conley, Chris, "The Right to Delete", AAI Spring Symposium Series, 2012, p. 58.

قانون‌گذاران و سیاست‌گذاران دعوت کرده‌اند تا در هنگام وضع مقررات و سیاست‌های اداری، به ارزش اجتماعی فراموش شدن توجه کنند.^۱ برداشت سوم از حق بر فراموش شدن بیشتر از خصیصه روان‌شناختی برخوردار است و احتمالاً تأکید اصلی آن بر «حق بر فراموش کردن»^۲ است تا حق بر فراموش شدن. این مفهوم از حق بر فراموش شدن را در معنایی وسیع می‌توان به‌عنوان حق افراد بر آزادانه سخن گفتن و نوشتن، بدون ترس از اینکه شخصیت وی در آنچه امروز می‌گوید و می‌نویسد تثبیت شود، تعبیر کرد. در واقع این برداشت در بردارنده مفهوم آزادی بیان و امکان امروز نوشتن و فردا تغییر دیدگاه دادن، می‌باشد. به نظر می‌رسد که علی‌رغم مفید بودن این برداشت از حق بر فراموش شدن، این حق در مفهوم حاضر فاقد خصیصه حقوقی است و بیشتر می‌توان آن را یک منفعت یا ارزش به شمار آورد. این برداشت از حق بر فراموش شدن می‌تواند منبع الهامی برای قانون‌گذاران و سیاست‌گذاران باشد که در هنگام اتخاذ تصمیم در خصوص زیربنای قانونی جمع‌آوری، پردازش و ذخیره داده‌ها اهمیت و ضرورت فراموش شدن در فضای مجازی را در نظر داشته باشند.

۱-۳. مبانی حق بر فراموش شدن

به‌طور کلی می‌توان گفت که مهم‌ترین مبنای حقوقی حق بر فراموش شدن، حمایت از حق حریم خصوصی است. حریم خصوصی که از آن به‌عنوان «حق برخورداری از یک چارچوب محافظت‌شده امن و خالی از اغیار که در این چارچوب، فرد از یک نوع خودمختاری شخصی برخوردار باشد» یاد می‌شود،^۳ مفهومی سیال است که امروزه زمینه‌های گوناگونی از جمله آزادی وجدان و اندیشه، کنترل بر جسم، خلوت و تنهایی، حمایت از حیثیت و اعتبار خود و حمایت در برابر تفتیش‌ها و تجسس‌ها را در برمی‌گیرد^۴ و از این‌رو می‌توان دامنه شمول آن را به حفاظت از داده‌های شخصی افراد در دنیای دیجیتال و به‌ویژه فضای اینترنت گسترش داد.

مسئله حریم خصوصی در اینترنت و صیانت از آن در این محیط در سال‌های اخیر به یکی از بحث‌برانگیزترین موضوعات حوزه فناوری اطلاعات تبدیل شده و توجه

1. Blanchette, Jean-francios; and Deborah Johnson, "Data Retention and the Panoptic Society: The Social Benefits of Forgetfulness", *The Information Society*, No. 45, 2002, p. 42.

2. Right to Forget

۳. موسی‌زاده، ابراهیم؛ و فهیم مصطفی‌زاده، «نگاهی به مفهوم و مبانی حق بر حریم خصوصی در نظام حقوقی عرفی»، دانش حقوق عمومی، شماره ۲، ۱۳۹۱، ص. ۵۷.

۴. انصاری، باقر، حقوق ارتباطات جمعی، انتشارات سمت، ۱۳۸۶، ص. ۲۱۳.

گسترده‌ای را به سمت خود جلب کرده است.^۱ تا پیش از عصر فناوری و وقوع انقلاب در عرصه فناوری اطلاعات، اعمالی همچون ورود غیرمجاز به مسکن افراد، بازرسی غیرقانونی نامه‌ها و ضبط مکالمات تلفنی، مصادیق بارزی از نقض حریم خصوصی به شمار می‌رفتند، اما با ورود بشر به عصر انفورماتیک، به تدریج مسائل و مشکلات جدیدی در ارتباط با حریم خصوصی اشخاص مطرح شد. با توجه به اینکه امروزه ذخیره اطلاعات و قرار دادن آنها در دسترس عموم به مراتب ساده‌تر و ارزان‌تر از هر زمان دیگری صورت می‌گیرد، تأکید اندیشمندان و فعالان حوزه حقوق بشر و اینترنت نیز سازمان‌های مرتبط بر اهمیت و ضرورت حمایت از حریم خصوصی کاربران در اینترنت رو به فزونی است.^۲

اینترنت چالش‌های جدیدی را در ارتباط با حمایت از حریم خصوصی مطرح کرده است؛ از یک سو اینترنت زمینه را برای جمع‌آوری و ذخیره نامحدود اطلاعات شخصی فراهم می‌آورد و از این طریق تا زمانی نامعلوم اطلاعات مربوط به حوزه خصوصی افراد را در دسترس قرار می‌دهد،^۳ از سوی دیگر امکان مکان‌یابی کاربران با استفاده از شماره سریال‌های منحصر به فرد دستگاه‌هایی که برای اتصال به اینترنت مورد استفاده قرار می‌گیرند، چالشی مهم برای حریم خصوصی کاربران به وجود آورده است. اینترنت همچنین فرصت‌های جدیدی برای استفاده تجاری از داده‌ها را فراهم می‌آورد. مطابق مدل تجاری بسیاری از شرکت‌های فعال در حوزه اینترنت که خدمات رایگان به کاربران ارائه می‌دهند، داده‌های اشخاص و نیز عملکرد آنها در اینترنت برای استفاده در مقاصد تجاری رصد و ارزیابی می‌شود که این کار می‌تواند تهدیدهایی برای حریم خصوصی کاربران در پی داشته باشد. با این اوصاف می‌توان گفت که بسط و گسترش این فناوری زمینه را برای افزایش امکان نفوذ هرچه بیشتر به حریم خصوصی افراد، فراهم آورده است.^۴

اگر چه اسناد حقوق بشری بین‌المللی و منطقه‌ای که پیش از این مورد اشاره قرار گرفتند، اشاره‌ای به حفاظت از حریم خصوص افراد در محیط اینترنت ندارند، ولی از اشاره کلی این اسناد به حفاظت از حریم خصوصی می‌توان این حق را به محیط

۱. السان، مصطفی، حقوق فضای مجازی، نشر شهردانش، ۱۳۹۳، ص. ۱۹۲.

2. Thierer, Adam, "The Pursuit of Privacy in the World Where Information Control is Failing", Harvard Journal of Law and Public Policy, Vol. 36, No. 2, 2013, p. 410.

3. Mandel, Toby; et al, Global Survey on Internet Privacy and Freedom of Expression, UNESCO Series on Internet Freedom, 2012, p. 7.

۴. پورقهرمانی، بابک؛ و علی صابرنژاد، حریم خصوصی در فضای سایبر از منظر حقوق بین‌الملل، انتشارات مجد، ۱۳۹۴، ص. ۶۶.

مجازی نیز تسری داد. چنان که پیش‌تر نیز اشاره شد، دامنه شمول حق حریم خصوصی را می‌توان به حفاظت از داده‌های شخصی افراد در دنیای دیجیتال و به‌ویژه فضای اینترنت گسترش داد. کمیته حقوق بشر در نظریه عمومی خود در خصوص ماده ۱۷ میثاق حقوق مدنی و سیاسی به این نکته اشاره می‌کند که حق حریم خصوصی ناظر بر حمایت در برابر کلیه اشکال مداخله در زندگی خصوصی، خانوادگی و مکاتبات افراد می‌باشد.^۱ از این بیان عام می‌توان شناسایی حق حریم خصوصی در اینترنت را برداشت کرد.

باقی ماندن ردپای افراد در فضای اینترنت که ناشی از عملکرد آنها در فضای مجازی از جمله جست‌وجو و بازدید از سایت‌ها، به اشتراک گذاشتن فایل‌ها، خریدهای اینترنتی و نیز گفتار و اظهارنظرها می‌باشد، موجب می‌شود که افراد در هر زمان نگاه‌هایی را ناظر بر رفتار و گفتار خود احساس کنند. در چنین وضعیتی فرد بی‌وقفه نگران پیامدها و بازخوردهای عملکرد خود در این فضای بی‌انتهای خواهد بود و از این‌رو چنان که گویی در ساختار «سراسربین»^۲ گرفتار شده باشد، همواره از ناظرانی نامرئی که از حضور یا عدم حضور آنها بی‌اطلاع است، در هراس قرار خواهد داشت.^۳

میشل فوکو به‌عنوان یکی از متفکرانی که به ساختار سراسربین طراحی شده توسط بن‌تام علاقه نشان داده است، فراگیرترین اثر ساختار سراسربین را «القای وضعیت هوشیاری و پیوسته در معرض دید بودن»^۴ در فرد می‌داند. به زعم وی، سلول‌های زندان سراسربین را می‌توان به اتاقک یا صحنه کوچک تئاتری تشبیه کرد که فرد در آن به مثابه یک بازیگر در هر لحظه قابل مشاهده است. این ساختار فضا را به گونه‌ای

1. United Nations Human Rights Committee, General Comment No. 6: The Right to Respect of Privacy Family, Home and Correspondence and Protection of Honor and Reputation, 1988, para. 1.

2. Panopticon

۳. اصطلاح ساختار سراسربین را برای نخستین بار جرمی بنتام (Jeremy Bentham) فیلسوف و نظریه‌پرداز اجتماعی انگلیسی به کار برد. وی در سال ۱۷۹۱ مبادرت به ارائه طرحی برای زندانی به نام سراسربین (پان اوپتیکن) کرد و در توضیح آن از ساختمانی سخن گفت که ساختاری دایره‌وار دارد و از اتاقک‌هایی در پیرامون و برجی در مرکز تشکیل شده است. برج مرکزی ساختار مذکور دارای پنجره‌های عریض و مشرف به اتاقک‌هایی می‌باشد که از دو طرف به‌وسیله دیوارهایی مسدود شده‌اند و پنجره‌های بزرگ این سلول‌ها به میدان مرکزی که برج در آن قرار دارد، باز می‌شوند. از این‌رو ساکنان سلول‌ها مستمراً زیر نظر نگهبانانی که در برج مرکزی مستقر هستند، قرار دارند. این نظارت شبانه‌روزی بر ساکنان سلول‌ها در حالی انجام می‌گیرد که آنها قادر به دیدن نگهبانان حاضر در برج مرکزی نیستند و بنابراین هرگز نمی‌توانند مطمئن باشند که در هر لحظه تحت نظارت هستند یا خیر.

(Bozovic, Miran, Jeremy Bentham and the Panopticon Writings, Verso, 1995, p.31)

4. Foucault, Michel, Surveiller et Punir: Naissance de la Prison, Gallimard, 1975, p. 201.

سازماندهی می‌کند که همه چیز در هر لحظه و بدون توقف قابل شناسایی و رویت باشد.^۱ علی‌رغم تلاش‌های بننام، ساختار سراسرین مورد نظر وی عملاً هرگز ساخته نشد. اما به نظر می‌رسد سراسرین را می‌توان با تمایل رو به فزونی نسبت به نظارت گسترده بر افراد در عصر ارتباطات مرتبط دانست.^۲ امروزه ساختاری مشابه سراسرین، در دنیای دیجیتال و به‌طور خاص در فضای اینترنت شکل گرفته است. این فناوری حیرت‌آور با ساختاری که کوچک‌ترین رفتار و واکنش کاربران در آن رصد می‌شود، سراسرینی بی‌انتها را به وجود آورده است که بر خلاف سراسرین پیشنهادی بننام که در آن رفتارها در لحظه مشاهده می‌شد، فاقد هرگونه محدودیت زمانی است و عملکرد کاربر در هر ثانیه ضبط و ذخیره می‌شود.

زمانی که فرد در دنیای مجازی خود را در چنین ساختاری احساس کند، دیگر سخن گفتن از حریم خصوصی امری دشوار خواهد بود. فردی که هر لحظه نظارت ناظرانی ناشناس را بر رفتار و عملکرد خود احساس کند، به‌سهولت در ورطه خودسانسوری گرفتار می‌شود و بدین‌سان نه تنها حریم خصوصی، بلکه آزادی بیان و عمل وی نیز به‌طور جدی به خطر می‌افتد. به عبارت دیگر آینده و آنچه به خاطر سپرده می‌شود، تأثیری فلج‌کننده بر عملکرد امروز فرد باقی می‌گذارد. اگر فرد مدام با این نگرانی دست به گریبان باشد که اطلاعات مربوط به وی مرتباً توسط کنترل‌کنندگان پردازش می‌شوند و برای زمانی بیش از آنچه که وی مایل است در معرض دید همگان باقی می‌مانند، از رفتار آزادانه در فضای مجازی بازداشته می‌شود و از بیان و به اشتراک گذاشتن دیدگاه‌های خود و هر آنچه تصویری از خود واقعی وی را نمایش می‌دهد، در محیط اینترنت خودداری می‌کند. از این‌رو به نظر می‌رسد که ضرورت حفاظت از حق حریم خصوصی افراد در محیط اینترنت ایجاب می‌کند که از کاربر در برابر گرفتار شدن در سراسرینی مجازی حمایت شود، به عبارت دیگر حمایت از حق بر فراموش شدن در راستای حمایت از حق حریم خصوصی قرار دارد.

مبنای حقوقی دیگری که می‌توان برای حق بر فراموش شدن بر شمرد، حمایت از حق حفاظت از داده‌ها است. اگرچه در نگاه اول به نظر می‌رسد که این مسأله محصول میانه‌های قرن بیستم باشد، ولی شواهدی دال بر حفاظت از اطلاعات شخصی مربوط به افراد و در واقع حریم خصوصی اطلاعاتی افراد را می‌توان در ادبیات حقوقی اواخر قرن نوزدهم نیز مشاهده کرد. «وارن» و «برندیس» در مقاله‌ای که تحت عنوان حق حریم

1. Ibid, p. 202.

2. Gandy, Oscar, *The Panoptic Sort: A Political Economy of Personal Information*, Westview, 1993, p. 27.

خصوصی در نشریه مطالعات حقوقی هاروارد در سال ۱۸۹۰ به چاپ رسانده‌اند، به اهمیت حفاظت از حریم خصوصی افراد در برابر نوآوری‌های فناوری اشاره کرده‌اند. تمرکز این مقاله عمدتاً بر تصاویری است که در روزنامه‌ها از افراد منتشر می‌شدند و بیشترین انتقاد را به تصاویری وارد می‌آورد که بدون اطلاع و رضایت سوژه، گرفته می‌شدند. نویسندگان مقاله مذکور بر این باور هستند که این مسأله نه تنها تهدیدی برای زندگی خصوصی افراد به شمار می‌رود، بلکه اخلاق جامعه را نیز هدف قرار می‌دهد.^۱

برخی از نویسندگان که حق بر فراموش شدن را نشأت گرفته از ضرورت حمایت از حق حفاظت از داده‌ها قلمداد می‌کنند،^۲ در اثبات ادعای خود به انطباق تعاریف و اجزای معرفی شده از حق بر فراموش شدن با برخی از اصول شناخته شده حفاظت از داده‌ها که در دستورالعمل مصوب ۱۹۸۰ سازمان همکاری‌های اقتصادی و توسعه درج شده‌اند، اشاره می‌کنند. اصل محدودیت داده‌ها، نخستین اصل از اصول حفاظت از داده‌ها است که با چارچوب‌های ارائه شده برای حق بر فراموش شدن انطباق دارد. این اصل بر این نکته تأکید می‌کند که وجود محدودیت برای جمع‌آوری داده‌ها امری ضروری است و هر داده شخصی باید به شکلی قانونی و با وسایل مجاز و عادلانه، و با آگاهی و رضایت موضوع داده‌ها جمع‌آوری شده باشد. اصل دیگری که در توجیه مبنای حق بر فراموش شدن کارایی دارد، اصل کیفیت داده‌ها است. مطابق این اصل داده‌های شخصی باید با هدفی که در راستای آن مورد استفاده قرار گیرند، مربوط باشند و تا حدی که برای آن هدف ضروری است، درست، کامل و به‌روز باشند.

سومین اصل حفاظت از داده‌ها در ارتباط با حق بر فراموش شدن، اصل تعیین هدف است. براساس این اصل اهدافی که داده‌ها در راستای دستیابی به آنها جمع‌آوری می‌شوند باید در همان زمان جمع‌آوری معین باشند و استفاده بعدی از آنها محدود به تأمین اهداف اولیه است. استفاده از داده‌های جمع‌آوری شده در جهت اهدافی غیر از اهداف مقرر در زمان جمع‌آوری تنها در صورتی ممکن است که آن اهداف ثانویه مغایرتی با هدف اولیه نداشته باشند یا از ابتدا امکان تغییر هدف پذیرفته شده باشد. آخرین اصل حفاظت از داده‌ها که می‌تواند توجیه‌کننده مبنای حق بر فراموش شدن باشد، اصل محدودیت استفاده است. مطابق این اصل، داده‌های شخصی نباید به هر

1. Warren, Samuel; and Louis Brandis, "The Right to Privacy", Harvard Law Review, No.4, 1890, p. 193.

2. Flaherty, David, Protecting Privacy in Surveillance Society: The Federal Republic of Germany, Sweden, France, Canada and United states, University of North Carolina Press, 1989, p. 47.

طریقی برای اهدافی غیر از آنچه که مطابق اصل تعیین هدف پذیرفته شده است، منتشر شوند، در دسترس قرار گیرند یا استفاده شوند؛ مگر با رضایت فرد موضوع داده‌ها یا با مجوز قانون.

در کنار دو مبنای حقوقی که در فوق برای حق بر فراموش شدن معرفی شدند، خودمختاری اطلاعاتی نیز می‌تواند به‌عنوان مبنایی دیگر برای این حق نوظهور شناخته شود. مطالعات معاصر در ارتباط با حفاظت از داده‌ها تا حد زیادی به مقوله‌ای تحت عنوان «خودمختاری اطلاعاتی»^۱ نزدیک شده است. خودمختاری اطلاعاتی به‌عنوان اصل بنیادین مقررات حفاظت از داده‌ها ریشه مستقیم خود را در دو حق بنیادین می‌یابد: نخست حق فرد نسبت به اینکه شأن و منزلت انسانی وی مورد حمایت قرار گیرد و دیگری حق فرد نسبت به شکوفایی و رشد شخصیت انسانی.^۲ این مفهوم متضمن حق اشخاص، گروه‌ها و نهادها بر تعیین این است که کدام یک از اطلاعات شخصی آنها، چه زمان، چگونه و تا چه حدی به دیگران مخابره شود و یا در دسترس آنها قرار بگیرد.^۳

۲. حق بر فراموش شدن و چالش آزادی بیان

نخستین و مهم‌ترین چالشی که در ارتباط با حق بر فراموش شدن وجود دارد، نگرانی از محدود شدن حق آزادی بیان در اینترنت توسط این حق است. بی‌شک اینترنت با برخورداری از قابلیت‌هایی همچون سرعت، دسترسی جهانی و نیز امکان ناشناس ماندن، به عرصه منحصر به فردی برای اعمال حق بر آزادی بیان تبدیل شده است. شاید به جرأت بتوان گفت که هیچ‌یک از پیشرفت‌های صورت‌گرفته در حوزه فناوری تأثیری این‌چنین شگرف بر اعمال حق بر آزادی بیان نداشته است. اینترنت چنان شرایط ویژه‌ای برای بیان همه افراد بشر فراهم آورده که می‌توان گفت به لحاظ قلمرو و اهمیت در طول حیات بشری بی‌سابقه بوده است.^۴ با توجه به این اوصاف مسأله آزادی بیان در اینترنت در سال‌های اخیر به مقوله‌ای بحث‌برانگیز تبدیل شده است.

1. Informational self-determination.

۲. Self-Development: مفهوم شکوفایی و رشد شخصیت انسانی را می‌توان از ماده ۸ کنوانسیون اروپایی حقوق بشر برداشت کرد. دادگاه اروپایی حقوق بشر بر این نکته تأکید می‌کند که اگرچه تکیه اصلی ماده ۸ بر مسأله احترام به حریم خصوصی و زندگی خانوادگی است؛ اما در واقع حق شکوفایی و رشد شخصیت انسانی و ارتقای شخصیت خود را نیز در بر می‌گیرد.

3. Westin, Alan, Privacy and Freedom, Bodley Head, 1967, p. 7.

4. Nunziato, Dawn, Virtual Freedom: Net Neutrality and Free Speech in the Internet Age, Stanford University Press, 2009, p. 2.

۲-۱. حق آزادی بیان در محیط اینترنت

در نگاه اول به نظر می‌رسد که هیچ یک از اسناد بین‌المللی حقوق بشر به صراحت به اعمال حق بر آزادی بیان در محیط اینترنت اشاره نداشته‌اند و حتی اکثر آنها پیش از پیدایش پدیده اینترنت تدوین و تصویب شده‌اند، اما با تأمل در عبارات این اسناد می‌توان شمول این اسناد نسبت به اینترنت را برداشت کرد. ماده ۱۹ اعلامیه جهانی حقوق بشر چنین اشعار می‌دارد که همه افراد از حق آزادی عقیده و بیان برخوردار هستند. علی‌رغم عدم اشاره صریح به مفهوم اینترنت در این سند، با نگاهی دقیق به عبارات ماده ۱۹ می‌توان شمول این سند نسبت به فناوری‌های نوظهور و رویکرد جامع آن نسبت به تحولات آینده را دریافت. در ماده ۱۹ به آزادی افراد در بیان عقاید و افکار با هر ابزاری اشاره شده است. از ذکر این عنوان کلی می‌توان گرایش اعلامیه جهانی حقوق بشر به گسترش دامنه شمول خود نسبت به فناوری‌های نوینی که در آینده معرفی خواهند شد را برداشت کرد.^۱ گزارشگر ویژه شورای حقوق بشر در گزارشی که در سال ۲۰۱۱ به این شورا ارائه داده است چنین اظهار می‌دارد که ماده ۱۹ اعلامیه جهانی حقوق بشر و نیز ماده ۱۹ میثاق بین‌المللی حقوق مدنی و سیاسی با این چشم‌انداز نگاشته شده‌اند که کلیه پیشرفت‌های فناوری که در آینده ممکن است صورت گیرد و از طریق آنها بشر قادر باشد حق بر آزادی بیان را اعمال کند، دربرگیرند. بنابراین به نظر می‌رسد که اگرچه اسناد حقوق بشری فوق‌الذکر چندین دهه پیش از پیدایش و گسترش اینترنت تدوین شده‌اند، اما بیش از آنچه که انتظار می‌رود حرف‌هایی برای گفتن در ارتباط با اینترنت دارند.

«اعلامیه شورای اروپا در خصوص آزادی بیان و اطلاعات» که در سال ۱۹۸۲ صادر شده، نخستین سندی است که بر ارتباط میان حق آزادی بیان و فناوری‌های نوین توجه دارد. در سال ۱۹۹۹ یونسکو در قالب نشست تخصصی اینترنت، طرحی را تحت عنوان حقوق دنیای مجازی تهیه کرد که در آن اصول متعددی از جمله اصل آزادی بیان به‌عنوان اصول حاکم بر اینترنت مورد شناسایی قرار گرفتند.^۲ اعلامیه ژنو که سند نهایی اجلاس جهانی جامعه اطلاعاتی است، بر ضرورت احترام به حقوق و آزادی‌های بنیادین بشری، از جمله حق آزادی بیان در جامعه اطلاعاتی تأکید می‌کند.

1. Land, Molly, "Toward an International Law of the Internet", Harvard International Law Journal, Vol. 54, 2013, p. 394.
2. Report of the Experts Meeting on Cyberspace Law, Monte-Carlo, Document: CII/USP/ECY/99/01, 1999.

این سند همچنین به اهمیت آزادی جست‌وجو و نیز انتقال و بیان اطلاعات برای تحقق جامعه اطلاعاتی کارا تصریح دارد.^۱

اعلامیه مشترک گروهی از گزارشگران ویژه آزادی بیان به این نکته اشاره دارد که آزادی بیان در محیط اینترنت نیز همانند سایر اشکال ارتباط قابل اعمال است.^۲ فرانک لارو^۳ گزارشگر ویژه شورای حقوق بشر سازمان ملل در زمینه ترویج و حمایت از حق آزادی بیان بر این باور است که اینترنت ابزاری منحصر به فرد است که اشخاص را در جست‌وجو، دریافت و رساندن فوری و ارزان اطلاعات و دیدگاه‌ها به سراسر جهان و فراتر از مرزهای ملی توانمند می‌سازد. با توجه به ظرفیت‌های اینترنت برای انعکاس دیدگاه‌ها و اندیشه‌های انسانی و نیز قابلیت‌های آن در فراهم آوردن مجالی برای بیان در سطحی وسیع، می‌توان گفت که تسری حق آزادی بیان به محیط اینترنت امری ضروری و اجتناب‌ناپذیر است.

شورای حقوق بشر سازمان ملل متحد در جولای ۲۰۱۲ قطعنامه‌ای تحت عنوان ترویج، حمایت و بهره‌مندی از حقوق بشر در اینترنت^۴ را به اتفاق آرا به تصویب رساند. این قطعنامه که به‌طور خاص مسأله حمایت از آزادی بیان در اینترنت را مورد اشاره قرار می‌دهد، به این نکته تصریح می‌کند که کلیه حقوقی که افراد در خارج از محیط اینترنت از آنها برخوردار هستند، باید در این محیط نیز مورد حمایت باشند. قطعنامه تأکید می‌کند که حق افراد نسبت به آزادی بیان فارغ از مرزها و نوع ابزارها و رسانه‌ها مورد انتخاب افراد است.

به‌طور کلی می‌توان گفت که بیان، عبارت از طریقی است که انسان به‌وسیله آن دیدگاه‌ها و اندیشه‌های خود را به دیگران منتقل می‌کند^۵ و از این‌رو می‌توان چنین نتیجه گرفت که اینترنت را می‌توان به‌عنوان عرصه‌ای برای اعمال حق بر آزادی بیان شناخت، چراکه ضرورت اعمال این حق و نیز مبانی نظری و قانونی آن به خوبی مؤید این مهم هستند.

1. Declaration of Principles Building the Information Society: A Global Challenge in the New Millennium, World Summit on the Information Society, Geneva, Article 56, Document: WSIS-03/ Geneva/ Doc 4-E, 2003.

2. Joint Declaration on Freedom of Expression and Internet, International Mechanism for Promoting Freedom of Expression, 2011.

3. Frank La Rue.

4. The Promotion, Protection and Enjoyment of Human Rights in Internet, Human Rights Council: A/HRC/20/L13, 2012.

۵. قاری سیدفاطمی، سیدمحمد، حقوق بشر در جهان معاصر، جلد دوم، نشر شهر دانش، چاپ دوم، ۱۳۸۹، ص.

۲-۲. ارتباط میان حق آزادی بیان و حق بر فراموش شدن

در نگاه اول می‌توان بر این باور بود که حق بر فراموش شدن از کارکردی مثبت در ارتباط با حق بر آزادی بیان برخوردار است و می‌تواند به تضمین این حق در محیط مجازی کمک کند. در این رابطه چنین استدلال می‌شود که اگر فرد با این نگرانی دست به گریبان باشد که اطلاعات مربوط به وی در فضای مجازی عمری طولانی‌تر از آنچه وی انتظار دارد، داشته باشند، در بیان و اظهار دیدگاه‌های خود، چه در خصوص موضوعات پیش پا افتاده‌ای همچون شایعات بی‌اهمیت و تجربیات شخصی و چه در خصوص موضوعات مهمی چون مسائل سیاسی و اجتماعی گرفتار تردید و خود سانسوری می‌شود. به بیان دیگر اثر نامطلوب حافظه بی‌نقص دیجیتال این است که مدام به فرد در خصوص رفتار و گفتارش هشدار می‌دهد و از این رو وی را از بیان آزادانه اندیشه‌ها و دیدگاه‌ها باز می‌دارد. در چنین شرایطی نه تنها امکان بالندگی و توسعه شخصیت فرد از بین می‌رود، بلکه تحقق جامعه دموکراتیک نیز با مانعی قوی مواجه می‌شود.

اگرچه با توجه به استدلال فوق، حق بر فراموش شدن می‌تواند کارکردی مثبت در جهت تقویت حق بر آزادی بیان داشته باشد، اما از سوی دیگر این نگرانی وجود دارد که با شناسایی حق بر فراموش شدن در محیط اینترنت، عملاً حق سایر کاربران در بیان آزاد دیدگاه‌های خود در خصوص شخص استنادکننده، به وسیله حق بر فراموش شدن محدود شود. با توجه به اهمیت حق آزادی بیان در اینترنت که پیش‌تر توضیح داده شد، بی‌توجهی به حق آزادی بیان در برابر حق بر فراموش شدن، کارکرد اینترنت به‌عنوان مجالی گسترده برای بیان دیدگاه‌ها و اندیشه‌های متعارض در راستای تسهیل تحقق دموکراسی در جوامع را به خطر می‌اندازد. به عبارت دیگر حق بر فراموش شدن نباید در نهایت مجالی برای سانسور فراهم کند. انقلاب دیجیتال که با ظهور اینترنت به اوج خود رسید، ابعادی جدید به آزادی بیان بخشیده است که بی‌شک حق بر فراموش شدن نمی‌تواند این دستاورد ارزشمند را بی‌اثر کند.^۱

برای توضیح بیشتر رابطه حق آزادی بیان و حق بر فراموش شدن می‌توان گفت که اصولاً سه دسته از اطلاعات ممکن است در خصوص افراد در فضای مجازی وجود داشته باشند: نخست اطلاعاتی که شخص موضوع داده‌ها در فضای مجازی منتشر کرده است، اطلاعاتی که اشخاص ثالث در ارتباط با فرد موضوع داده‌ها منتشر کرده‌اند و

1. Balkin, Jack, "Digital Speech and Democratic Culture: A Theory of Freedom of Expression for the Informational Society", New York University Law Review, Vol. 7, 2004, p. 2.

نهایتاً اطلاعاتی که ابتدا توسط خود فرد موضوع داده‌ها منتشر شده‌اند، ولی پس از انتشار اولیه، توسط کاربر ثالث کپی شده‌اند و مجدداً در صفحات وب مورد بازنشر قرار گرفته‌اند.

فرد موضوع داده‌ها حق دارد که دسته اول (اطلاعات مربوط به خود) را از فضای مجازی حذف کند، چراکه شخصاً مبادرت به انتشار این اطلاعات کرده و سپس با گذشت زمان بنا به دلایل مختلفی از انتشار آن داده‌ها منصرف شده و به حذف آنها تمایل پیدا کرده است. در خصوص چنین اطلاعاتی فرد موضوع داده‌ها تنها با کنترل‌کنندگان داده‌ها سروکار دارد و باید از آنها درخواست کند که نسبت به حذف اطلاعات وی اقدام کنند. در چنین وضعیتی قطعاً اعمال حق بر فراموش شدن با حق آزادی بیان سایر افراد، منافاتی پیدا نمی‌کند.

اما در خصوص دسته دوم و سوم اطلاعات، شائبه تعارض میان حق بر فراموش شدن با حق آزادی بیان سایر کاربران وجود دارد. در این دو وضعیت اطلاعات مربوط به شخص موضوع داده‌ها توسط اشخاص ثالث منتشر شده‌اند و ممکن است پیوندهای متعددی برای آن اطلاعات در فضای اینترنت پدید آمده باشند. در چنین وضعیتی حق فرد موضوع داده‌ها که خواستار فراموش شدن اطلاعات منتشر شده است، با حق کاربران ثالث در بیان اطلاعات مربوطه از طریق بازنشر یا اظهارنظر درباره آنها برخورد پیدا می‌کند.

برداشت موسع از حق بر فراموش شدن که آن را حقی مطلق برای فرد موضوع داده‌ها نسبت به حذف کامل اطلاعات مربوط به خود و هر نوع ارجاع به آن می‌شناسد، به‌طور جدی حق آزادی بیان سایر کاربران را تهدید می‌کند. بی‌تردید حق بر فراموش شدن نیز مانند بسیاری از دیگر حقوق بشری حقی نامحدود نیست. مسأله وارد شدن برخی قیود به حقوق بشری امری است که در بسیاری از اسناد حقوق بشری و در خصوص عمده حقوق به چشم می‌خورد. در رأیی که در تاریخ ۱۳ می ۲۰۱۴ از دیوان دادگستری اتحادیه اروپا در پرونده گوگل و اسپانیا صادر شده نیز بر این نکته تأکید شده است که نه حقوق مربوط به حفاظت از داده‌ها، از جمله حق بر فراموش شدن، و نه حق آزادی بیان هیچ‌یک حقوقی مطلق نیستند و به هر حال لازم است تعادلی مشروع میان منافع کاربران اینترنت و نیز حقوق بنیادین شخص موضوع داده‌ها وجود داشته باشد. دیوان در این رأی به این نکته اشاره می‌کند که حق بر فراموش شدن همواره باید با سایر حقوق بنیادین از جمله حق آزادی بیان و نیز آزادی رسانه‌ها در تعادل باشد. از این‌رو لازم است در هر موردی که شخص موضوع داده‌ها خواستار اعمال حق بر فراموش شدن و حذف داده‌های مربوط به خود است، بحث و بررسی جداگانه‌ای برای

ارزیابی تعادل میان حقوق فوق‌الذکر صورت پذیرد. این تعادل ممکن است به نوع اطلاعات شخصی موردنظر، حساسیت آنها برای زندگی خصوصی اشخاص و منفعت عموم در دسترسی به آن اطلاعات بستگی داشته باشد.^۱ رأی دیوان، حق افراد بر حذف اطلاعات شخصی را به‌عنوان حقی که تحت هر شرایطی قابل اعمال باشد، شناسایی نمی‌کند. به موجب این رأی، اشخاص تحت شرایط خاصی حق دارند از موتورهای جست‌وجو درخواست کنند که پیوندهای مشتمل بر بعضی اطلاعات مربوط به آنها را حذف کنند. این امکان تنها در صورتی وجود خواهد داشت که اطلاعات شخصی موردنظر نادرست، ناکافی، نامرتب یا برای هدف اصلی از پردازش داده‌ها، بیش از حد لازم باشد.

با وجود این باید دقت داشت که این رأی تنها راهکاری کلی ارائه داده است و به جزئیات مربوط به برقراری این توازن اشاره‌ای ندارد. بی‌تردید تحدید هر حق بشری و وارد آوردن استثنائات بر آن نیازمند رعایت برخی ضوابط است. تعیین این ضوابط باید توسط قانون صورت بگیرد و مقامات اعمال‌کننده ضوابط مربوط به تحدید حقوق بشری نیز باید از صلاحیت لازم برای این کار برخوردار باشند تا از این طریق ضمن شناسایی درست و دقیق موارد محدودیت، حقوق افراد به‌گونه‌ای مشروع محدود شوند.

۲-۳. اسناد قانونی و توجه به ارتباط میان حق بر فراموش شدن و آزادی

بیان

دستورالعمل حفاظت از داده‌ها، به‌عنوان چارچوب حقوقی لازم‌الاجرای فعلی در خصوص رابطه میان حق بر فراموش شدن و آزادی بیان ساکت است و عملاً این اختیار را به دولت‌های عضو می‌دهد که به صلاحدید خود تعادلی میان این حقوق برقرار کنند که این امر خود از ضعف چارچوب حقوقی فعلی حکایت دارد. در مقابل کاستی‌های قانونی دستورالعمل فعلی، پیش‌نویس مقرر عمومی حفاظت از داده‌های اتحادیه اروپا نظامی را برای برقراری توازن میان حق بر فراموش شدن و حق آزادی بیان پیش‌بینی کرده است. بند ۳ ماده ۱۷ این سند مقرر می‌دارد که کنترل‌کنندگان داده‌ها مکلف هستند بدون تاخیر نسبت به حذف و پاک کردن داده‌های شخصی مورد درخواست اقدام کنند، مگر اینکه حفظ داده‌های شخصی مورد بحث برای اعمال حق آزادی بیان ضروری باشد. البته اشاره‌ای که ماده ۱۷ به استثنای مربوط به حق آزادی بیان می‌کند، حالتی کلی دارد. مطابق این ماده اعمال استثنائاتی که تخطی از مقررات این سند را

1. Google Spain SL and Google Inc. v. Agencia Española de Protección de Datos (AEPD) and Mario Costeja Gonzalez, European Court of Justice, Judgment of the Grand Chamber, 2014, Para. 85.

مجاز می‌کند، تنها در صورتی برای دولت‌های عضو مجاز است که پردازش داده‌های شخصی برای اهداف رسانه‌ای یا بیان ادبی و هنری صورت گرفته باشد. ماده مذکور این استثنائات را صرفاً در راستای هدف آشتی میان حقوق مربوط به حفاظت از داده‌ها - از جمله حق بر فراموش شدن - با قواعد حاکم بر آزادی بیان توجیه می‌کند.

اگرچه مقرره پیشنهادی حفاظت از داده‌ها در خصوص توازن میان حق بر فراموش شدن و آزادی بیان، در مقایسه با دستورالعمل فعلی گامی رو به جلو برداشته، اما راهکار ارائه شده توسط این سند نیز با کاستی‌های بسیاری مواجه است. مطابق ماده ۱۷ دستورالعمل حفاظت از داده‌ها که چارچوب کلی حق بر فراموش شدن را ترسیم می‌کند، وظیفه حذف آن دسته از اطلاعات شخصی که فرد موضوع داده‌ها خواستار حذف آنها است بر عهده کنترل‌کنندگان^۱ داده‌ها قرار دارد. در این چارچوب طراحی شده برای حق بر فراموش شدن، کنترل‌کنندگان داده‌ها که عمدتاً شرکت‌های فعال در حوزه فناوری‌های اطلاعات هستند، مسئولیت بررسی هر درخواست و تصمیم‌گیری در خصوص تعارض یا عدم تعارض درخواست ارائه شده با حق آزادی بیان سایر کاربران را بر دوش دارند. به عبارت دیگر سرنوشت حق آزادی بیان کاربران ثالث، در دست کنترل‌کنندگانی قرار گرفته است که بدون برخورداری از صلاحیت قضایی نسبت به بهره‌مندی یا محرومیت کاربران از حق آزادی بیان تصمیم می‌گیرند. این کنترل‌کنندگان نه تنها از دانش حقوقی کافی برای تأمین اجرای چنین مسئولیت خطیری برخوردار نیستند و توان درک رابطه ظریف میان حقوق بشری را ندارند، بلکه این کار اساساً از حوزه اصلی فعالیت‌های آنها خارج است و از این‌رو در عملکرد عادی آنها اخلاص صورت می‌گیرد.^۲ رأی دیوان دادگستری اتحادیه اروپا در پرونده گوگل نیز با حرکت در مسیری مشابه، اپراتورهای موتورهای جست‌وجو را به‌عنوان مرجع اتخاذ تصمیم در خصوص حذف یا بقای پیوندهایی که کاربران خواستار حذف آنها از نتایج جست‌وجوی نام خود هستند، مورد شناسایی قرار داده است. مطابق رأی مذکور فرد موضوع داده‌ها می‌تواند تحت اوضاع و احوال خاصی از اپراتورهای موتورهای جست‌وجو، به‌عنوان کنترل‌کنندگان داده‌ها بخواهد که نتایجی که در پی جست‌وجوی نام آنها در

۱. مطابق تعاریفی که بند ۵ ماده ۴ ارائه داده است، کنترل‌کننده داده‌ها شخص حقیقی یا حقوقی، مقام عمومی، نهاد یا رکنی دیگر است که به‌تنهایی یا با همکاری دیگران، اهداف، شرایط و ابزارهای پردازش داده‌های شخصی را معین می‌کند. این تعریف در رأی گوگل و اسپانیا نیز مورد تأکید قرار گرفته است. براساس این تعریف، کلیه ارائه‌دهندگان خدمات اینترنتی، ارائه‌کنندگان خدمات دسترسی به اینترنت، اپراتورهای موتورهای جست‌وجو و اپراتورهای شبکه‌های اجتماعی از مصادیق کنترل‌کنندگان داده‌ها محسوب می‌شوند.

2. Smet, Stijn, "Freedom of Expression and the Right to Reputation: Human Rights Conflicts", *American University International Law Review*, Vol. 26, 2010, p. 187.

اینترنت بدست می‌آید را حذف کنند. سپردن تصمیم‌گیری در خصوص حذف نتایج جست‌وجو حاوی نام متقاضی حذف به گوگل نگرانی‌هایی را در زمینه محدود شدن حقوق کاربران ثالث توسط کنترل‌کننده‌ای که فاقد صلاحیت تشخیص چگونگی توازن حقوق بشری می‌باشد، در پی داشته است.^۱

بی‌شک مطابق آنچه که در مقرر مذکور و رأی دیوان دادگستری اتحادیه اروپا مطرح شده، حجم وسیعی از درخواست‌های حذف به دست کنترل‌کنندگان داده‌های می‌رسد و ارزیابی و بررسی دقیق این درخواست‌ها نیازمند صرف زمان زیاد و هزینه‌ای سنگین توسط این کنترل‌کنندگان است. در چنین وضعیتی این خطر وجود خواهد داشت که کنترل‌کنندگان برای کاهش بار سنگین درخواست‌های کاربران که از حوزه تخصص آنها نیز خارج است، بدون بررسی دقیق درخواست‌ها مبادرت به اجابت آنها کنند و با پذیرش کورکورانه درخواست‌های حذف، در عمل حق کاربران ثالث نسبت به بیان آزاد را نادیده بگیرند. تحمیل چنین مسئولیت سنگینی که از کارکردهای اصلی کنترل‌کننده نیز خارج است، می‌تواند باعث شود که وی به‌طور غیرممتنع، شتابزده و فارغ از ملاحظات حقوقی با درخواست‌های حذف موافقت کند و توجه چندانی به حقوق و منافع سایرین نشان ندهد.

از سوی دیگر، مقرر به‌طور کلی مواردی از حق بر فراموش شدن در اینترنت که می‌تواند در مقابل حق آزادی بیان محدود شود را مورد اشاره قرار داده است. کلی‌گویی مقرر در این خصوص و عدم اشاره به جزئیات و ضوابط مربوط به شناسایی اشکال خاصی از بیان، ابتکار عمل را به‌طور کامل به دست کنترل‌کننده داده‌ها سپرده است؛ در حالی که شناسایی موارد فوق‌الذکر امری است که مربوط به دامنه اعمال حق بر آزادی بیان می‌شود و به عبارت دیگر بیانگر محدودیت‌های این حق است. چنان‌که پیش‌تر اشاره شد، اعمال محدودیت بر حق آزادی بیان در راستای رعایت سایر حقوق و منافع تنها توسط قانون امکان‌پذیر است. از این‌رو لازم است که تعیین تکلیف در خصوص اینکه چه بیانی می‌تواند به‌عنوان بیان رسانه‌ای، ادبی یا هنری شناخته شود نیز توسط قانون صورت گیرد. کلی‌گویی و سپردن ابتکار به دست کنترل‌کننده داده‌ها می‌تواند ورود محدودیت‌هایی نامشروع بر حق آزادی بیان را در پی داشته باشد. در این صورت کنترل‌کنندگان با عملکرد آزادانه خود در ارتباط با اینکه چه بیانی در زمره بیان‌های

1. Iglezakis, Ioannis, "The Right to be Forgotten in the Google Spain Case: A Clear Victory for the Data Protection or an Obstacle for the Internet", 4th International Conference on Information Law, 2014, p.7.

رسانه‌ای، ادبی یا هنری قرار می‌گیرد، عملاً و به‌طور خودسرانه نقش سانسورگر جهانی را به خود می‌گیرند.^۱

با عنایت به این امر که پیش‌نویس مقررہ عمومی حفاظت از داده‌ها به درستی ضرورت توازن میان حق بر فراموش شدن و آزادی بیان را مورد تأکید قرار داده است، تعیین مقامات دارای صلاحیت قضایی یا شبه قضایی برای بررسی درخواست‌های حذف داده‌ها در کنار رفع پاره‌ای از ابهامات موجود در چارچوب فعلی می‌تواند به رفع تداخل میان دو حق کمک شایانی کند. رفع ابهامات موجود در مفاهیمی همچون داده‌های شخصی، اهداف رسانه‌ای و بیان ادبی و هنری، مانع تفسیرهای موسع از محدودیت وارده بر حق آزادی بیان می‌شود و با اصول حاکم بر محدودیت‌های این حق در ماده ۱۹ میثاق حقوق مدنی و سیاسی انطباق دارد. روشن شدن این مفاهیم به‌وسیله قانون تا حدودی می‌تواند پاسخگوی ایراد مربوط به مسئولیت کنترل‌کنندگان در رسیدگی به درخواست‌های حذف باشد. در چنین صورتی نقش کنترل‌کنندگان از سانسورگرانی که اختیاری تام در حذف داده‌ها داشتند، به مجریان قانون تغییر می‌یابد.

۳. چالش‌های اجرایی حق بر فراموش شدن

یکی از موضوعات مهمی که در ارتباط با حق بر فراموش شدن در فضای مجازی جلب توجه می‌کند، نحوه به اجرا گذاشتن این حق است. پس از شناسایی این حق در نظام حقوقی اتحادیه اروپا تردیدهایی نسبت به چگونگی اعمال این حق و نیز کارآمد بودن چارچوب حقوقی طراحی شده برای اعمال آن به وجود آمده است.

۳-۱. دامنه اجرای حق بر فراموش شدن

دامنه و محدوده مکانی اجرای حق بر فراموش شدن از جمله موضوعاتی است که در رابطه با اجرای این حق حائز اهمیت به نظر می‌رسد. حق بر فراموش شدن از اتحادیه اروپا برآمده است، با این وجود نمی‌توان آثار آن را تنها محدود به قلمرو اتحادیه اروپا دانست. دنیای اینترنت دنیایی فرامادی است که آثار و کارکرد آن فراتر از مرزهای دولت‌ها و محدوده‌های جغرافیایی است.^۲ اطلاعاتی که در محیط اینترنت وارد می‌شوند، به سهولت در سراسر نقاط جهان قابل دسترسی هستند. اطلاعات موجود در این محیط گاه با چندین کشور در ارتباط است. اطلاعات در گوشه‌ای از جهان وارد فضای اینترنت می‌شوند و این در حالی است که سرور ارائه دهنده خدمات و سایر کنترل‌کنندگانی که

1. Shoor, Emily, "Narrowing the Right to be Forgotten: Why the Proposed European Union Needs to Amend the Proposed Data Protection Regulation", *Brooklyn Journal of International Law*, Vol. 39, 2014, p. 508.

2. Zittrain, Jonathan, "Be Careful What You Ask for: Reconciling a Global Internet and Local Law", *Harvard Law School Public Law Research Paper*, No. 60, 2003, p. 2.

به نوعی مبادرت به پردازش داده‌ها می‌کنند، ممکن است در کشورهای مختلفی در گوشه و کنار جهان قرار داشته باشند. چنین اطلاعاتی در بسیاری از کشورهای دیگر قابل دسترسی هستند و توسط هریک از کاربران در هر کشوری می‌توانند کپی یا بازنشر شوند. با این اوصاف، این چالش در ارتباط با اجرای حق بر فراموش شدن مطرح می‌شود که حق بر فراموش شدن که در چارچوب مرزهای اتحادیه اروپا شناسایی شده است، چگونه در محیط فرامرزی اینترنت قابل اعمال است.

ماده ۳ پیش نویس مقررہ عمومی حفاظت از داده‌ها با مورد توجه قرار دادن مقوله قلمرو سرزمینی این سند، بر این نکته تأکید می‌کند که حقوق مندرج در آن بر کنترل‌کنندگان و پردازش‌کنندگانی اعمال می‌شود که در قلمرو اتحادیه مستقر هستند و همچنین اگر فرد موضوع داده‌ها در قلمرو اتحادیه ساکن باشد و کنترل‌کننده خارج از قلمرو اتحادیه حضور داشته باشد، تحت شرایطی امکان اعمال مقررہ وجود دارد. این ماده اگرچه نشان از دغدغه قانون‌گذار نسبت به فراسرزمینی بودن اینترنت دارد، اما در خصوص دامنه اجرا و اثربخشی حق تأثیری ندارد. کاربری که در منطقه اروپا مستقر است و تحت پوشش نظام حقوقی اتحادیه اروپا قرار دارد که حق بر فراموش شدن را شناسایی می‌کند، زمانی می‌تواند حق خود را به‌طور کامل و به‌درستی استیفا کند که اطلاعاتی که وی نامطلوب می‌یابد و خواستار حذف آنها است، به‌طور کامل از دنیای اینترنت حذف شوند و در هیچ نقطه‌ای از جهان امکان دسترسی به آن اطلاعات وجود نداشته باشد. در غیر این صورت تنها سرپوشی محدود بر اطلاعات نامطلوب نهاده شده و شاید حتی با اندک تغییری در تنظیمات رایانه‌ها، از داخل قلمرو اتحادیه اروپا نیز امکان دسترسی به آن اطلاعات وجود داشته باشد.

بنابراین می‌توان گفت که کنترل‌کنندگانی که در داخل اتحادیه اروپا مستقر هستند و یا به شهروندان اتحادیه اروپا خدمات ارائه می‌کنند، باید خود را با چارچوب‌های مقرر برای حق بر فراموش شدن منطبق کنند. با این وجود از آنجا که اطلاعات موجود در فضای مجازی در سراسر جهان قابل دسترسی هستند و تعهدات طرح‌شده ظاهراً ناظر به قلمرو جغرافیایی اتحادیه اروپا است و این حق به‌طور مشخص در سراسر نقاط جهان مورد شناسایی قرار نگرفته است، نمی‌توان با اطمینان از وضعیت بقای اطلاعات در اینترنت، خارج از مرزهای اتحادیه اروپا، سخن گفت. داده‌هایی که اشخاص خواستار حذف آنها هستند، در هر زمان ممکن است در اختیار سایر کاربران یا کنترل‌کنندگان قرار داده شوند و یا مورد بازنشر قرار گیرند؛ در حالی که مقامات صالح اتحادیه اروپا در ارتباط با حفاظت از داده‌ها هرگز امکان اعمال اقتدار نسبت به این

قبیل کنترل‌کنندگان را نخواهند داشت و از این‌رو در عمل حق کاربران مستقر در قلمرو اتحادیه اروپا هرگز به‌درستی تامین نمی‌شود.^۱

مقررره عمومی حفاظت از داده‌ها و همچنین رأی صادره از دیوان دادگستری اتحادیه اروپا در پرونده گوگل و اسپانیا در این خصوص ساکت هستند. با این حال رویکردی که گوگل پس از صدور رأی دیوان اتخاذ کرده، ناظر بر قطع دسترسی منطقه‌ای است.^۲ به عبارت دیگر اگرچه درخواست کاربران مستقر در قلمرو اتحادیه اروپا در رابطه با حذف داده‌های شخصی پذیرفته می‌شود، اما دسترسی به داده‌های مذکور از سایر نقاط جهان همچنان ممکن است. چنین رویکردی اعمال حق بر فراموش شدن را ناممکن می‌کند، چرا که با این اوصاف کاربری که خواهان فراموش شدن است، هرگز به واقع فراموش نمی‌شود. از این‌رو برای جلوگیری از ایجاد چنین شرایطی، اقدام مناسب برای حمایت بین‌المللی از این حق، فراتر از محدوده اتحادیه اروپا، ضروری به نظر می‌رسد.^۳

۲-۳. مکانیزم اجرایی حق بر فراموش شدن

افرادی که به نوعی از بقای اطلاعات مربوط به خود در محیط اینترنت ناخشنود هستند، باید قادر باشند تا با استفاده از سازوکارهای خاصی نسبت به حذف اطلاعات مربوطه اقدام کنند. برخی از نویسندگانی که از حدود یک دهه پیش حق بر فراموش شدن و ضرورت آن را در نوشتارهای خود مورد اشاره قرار داده‌اند، شیوه‌های گوناگونی را برای اعمال این حق پیش‌بینی کرده‌اند.

یکی از راهکارهای پیشنهادشده برای اعمال حق بر فراموش شدن، امکان پیش‌بینی مدتی معین برای بقای داده‌ها است. این شیوه به دو روش قابل اعمال است. روش نخست تنها نسبت به اطلاعاتی می‌تواند اعمال شود که خود فرد موضوع داده‌ها،

1. Ambrose, Meg Leta, "Peaking of Forgetting: Analysis of Possible Non-EU Responses to the Right to be Forgotten and Speech Exception", The 41st Research Conference on Communication, Information and Internet Policy, George Mason University, Arlington, USA, 2013, p. 30.

2. Ambrose, Meg Leta, "Peaking of Forgetting: Analysis of Possible Non-EU Responses to the Right to be Forgotten and Speech Exception", The 41st Research Conference on Communication, Information and Internet Policy, George Mason University, Arlington, USA, 2013.

۳. باید دقت داشت که محدودیت کنونی دامنه اجرایی حق بر فراموش شدن، نمی‌تواند شائبه‌ای در رابطه با طرح این مفهوم ذیل عنوان حق به وجود آورد. چرا که علی‌رغم وجود برخی چالش‌های اجرایی، طرح تکلیف برای سایر اشخاص، اعم از حقیقی و حقوقی نسبت به حذف داده‌های خاص، مهر تأییدی بر «حق» بودن فراموش شدن در فضای مجازی است.

مبادرت به انتشار آنها کرده است. در این فرض، فرد موضوع داده‌ها باید قادر باشد که در زمان وارد کردن اطلاعات خود به فضای مجازی، مدت زمانی را برای بقای آن اطلاعات در این فضا و قابل دسترسی بودن آنها برای افراد ثالث پیش‌بینی کند و پس از منقضی شدن آن مدت مقرر، اطلاعات به‌طور خودکار از اینترنت حذف شوند. قطع‌نظر از دشواری‌های فنی که این روش می‌تواند به دنبال داشته باشد، مزایای متعددی برای آن قابل تصور است. مطابق این روش، موضوع داده‌ها با در نظر گرفتن محتوای داده‌هایی که منتشر می‌کند، نسبت به بقای آنها برای مدت معینی رضایت می‌دهد. در واقع با انقضای مدت مقرر، رضایت ابرازشده منتفی می‌شود و بقای اطلاعات مبنای قانونی خود را از دست می‌دهد. البته کاربر باید قادر باشد که در صورت تمایل، تداوم بقای اطلاعات مزبور را برای مدتی طولانی‌تر تمدید کند. این شیوه بیشتر نسبت به اطلاعاتی که توسط افراد در شبکه‌های اجتماعی و وبلاگ‌های شخصی منتشر می‌شوند، کاربرد دارد. کاربران با تعریف تاریخ انقضا بر داده‌های مربوط به خود، در تعیین اینکه هریک از این داده‌ها تا چه زمانی به حیات خود در اینترنت ادامه دهند و چه زمانی به دست فراموشی سپرده شوند، مشارکت می‌کنند و از این طریق حق خودمختاری اطلاعاتی، که پیش‌تر به‌عنوان یکی از مبانی حق بر فراموش شدن شناخته شد، را عینیت می‌بخشند.¹

شیوه دیگری که در خصوص تعریف تاریخ انقضا برای داده‌های شخصی می‌تواند قابل‌استفاده است، پیش‌بینی مدتی برای بقای اطلاعات به‌طور عام است. در این روش کاربران در هنگام انتشار اطلاعات خود در اینترنت مدت زمانی برای باقی ماندن آنها تعریف نمی‌کنند، بلکه سیستم‌های اینترنتی به‌طور خودکار پس از سپری شدن مدت زمانی مشخص اطلاعات را از چرخه پردازش خارج می‌کنند و در نتیجه دسترسی به آنها غیرممکن می‌شود. پیش‌بینی چنین مدتی باید به موجب ضوابطی یکپارچه صورت بگیرد تا به‌طور یکسان نسبت به کلیه کاربران قابل اعمال باشد. البته باید دقت داشت که این مدت پیش‌بینی شده عمدتاً طولانی خواهد بود، چرا که به اعتقاد مدافعان این سیستم، با گذر زمان حق حریم خصوصی بر حقوقی چون آزادی بیان، آزادی رسانه‌ها و نیز حق عموم نسبت به دانستن غلبه می‌یابد.

راهکارهای پیشنهادی فوق از ویژگی‌ها مثبتی برخوردار هستند. به‌عنوان مثال شیوه نخست این مزیت را دارد که امکان کنترل داده‌ها را به فرد موضوع آنها می‌سپارد

1. Mayer-Schonberger, Victor, "Why We Need to Let Our Online Memories Go", The Washington Post, 2012. Available at: http://www.washingtonpost.com/opinions/why-we-need-to-let-our-online-memories-go/2012/11/23/29d0e54e-33ec-11e2-bfd5-e202b6d7b501_story.html.

و با شناسایی وی به‌عنوان مالک داده‌ها، رضایت وی نسبت به در دسترس بودن اطلاعات برای مدتی محدود را مورد شناسایی قرار می‌دهد. این چارچوب بیش از هر چیز برای حمایت از کاربران کودک و نوجوان مناسب است و به آنها اجازه می‌دهد که آثار رفتاری که در این دوران سرشار از بی‌تجربگی انجام می‌دهند را به همین دوره محدود کنند و در بزرگسالی از سایه شخصیت ناپخته خود که در فضای اینترنت باقی مانده است، رهایی پیدا کنند. سیستم مربوط به حذف خودکار کلیه اطلاعات در مدت زمانی که برای کلیه داده‌ها مقرر شده نیز می‌تواند همین کارکردهای مثبت را در پی داشته باشد.

با وجود آثار مثبتی که تعیین تاریخ انقضای خاص و عام برای داده‌های موجود در شبکه اینترنت می‌تواند داشته باشد، کاستی‌ها و نواقصی نیز برای این نظام قابل تصور است. زمانی که داده‌ای وارد محیط اینترنت می‌شود، همزمان در دسترس میلیون‌ها کاربر قرار می‌گیرد و هریک از آنها می‌توانند نسخه‌های بیشماری از آن داده‌ها را در فضای مجازی منتشر کنند. تاریخ انقضایی که موضوع داده‌ها در ابتدا برای آنها تعیین کرده است تنها نسبت به داده‌هایی که ابتدائاً منتشر شده‌اند، قابل اعمال است و هریک از داده‌ها ممکن است در هر زمان دیگری توسط کاربران دیگری منتشر شوند و از این‌رو فرد موضوع داده‌ها هیچ کنترلی بر داده‌های بازنشرشده نخواهد داشت. در چنین وضعیتی رضایتی که فرد موضوع داده‌ها نسبت به انتشار داده‌های خود در مدت زمان مشخصی داده است، در عمل کارایی خود را از دست می‌دهد. تعیین تاریخ انقضای عام نیز از مشکل مشابهی برخوردار است.

با توجه به ناکارآمدی‌های نظام پیش‌بینی تاریخ انقضا برای داده‌ها و حذف خودکار آنها که توسط برخی از نویسندگان حوزه حقوق بشر و اینترنت مطرح شده، ضرورت پیش‌بینی نظام پاک شدن موردی داده‌ها نمایان شده است. در این نظام هریک از کاربران اینترنت که از بقای اطلاعات و پیوندهای خاص در ارتباط با خود احساس ناخشنودی و عدم رضایت می‌کند، باید حذف اطلاعاتی که در صفحات اینترنتی خاصی منعکس شده‌اند را خواستار شوند. این سیستم از یک سو امکان کنترل مؤثر داده‌ها را در اختیار فرد موضوع داده‌ها قرار می‌دهد و از سوی دیگر زمینه ارزیابی درخواست‌های حذف توسط مجری این درخواست‌ها را فراهم می‌آورد. با این اوصاف ورود واسطه‌ای که مطابق درخواست فرد موضوع داده‌ها نسبت به حذف آنها اقدام کند، توجیه می‌شود. حال با توجه به ضرورت و اهمیت ورود واسطه در زمینه اعمال حق بر فراموش شدن، این پرسش به وجود می‌آید که چه شخص یا نهادی برای انجام این وظیفه مناسب و واجد صلاحیت است.

چنان که پیشتر نیز اشاره شد مقررات موجود در خصوص حق بر فراموش شدن بر این نکته تأکید دارند که افراد موضوع داده‌ها که مایل هستند اطلاعات مربوط به آنها از محیط اینترنت حذف شود، باید به‌طور مستقیم به کنترل‌کنندگان داده‌ها مراجعه کنند و حذف اطلاعات مربوط به خود را از آنها درخواست کنند. برای رفع نگرانی‌های مربوط به کپی‌های ایجاد شده از اطلاعات شخصی در اینترنت و بازنشرهای احتمالی، کنترل‌کننده مکلف شده که تمایل فرد موضوع داده‌ها نسبت به حذف اطلاعات خود را به اطلاع کلیه اشخاص ثالث که داده‌های مربوطه را پردازش کرده‌اند، برساند.

مسأله سپردن تصمیم‌گیری در خصوص حذف یا عدم حذف اطلاعات شخصی به کنترل‌کنندگان داده‌ها یکی از مهم‌ترین مسائلی است که در ارتباط با سازوکار اجرایی حق بر فراموش شدن، جلب توجه می‌کند. چنان‌که در بند پیشین نیز اشاره شد، کنترل‌کنندگان داده‌ها عمدتاً فاقد صلاحیت قانونی برای تصمیم‌گیری در خصوص اعمال یا عدم اعمال حقوق بشری هستند و به لحاظ ضرورت برقراری تعادل میان حق بر فراموش شدن با سایر حقوق بشری از جمله حق آزادی بیان، نمی‌توان این موجودیت‌ها را گزینه‌ای مناسب برای دریافت درخواست‌های حذف داده‌ها و تصمیم‌گیری در خصوص آنها دانست. تصمیم‌گیری در خصوص اعمال حق بر فراموش شدن، در حقیقت نفع عموم و جامعه در دسترسی به اطلاعات و نیز بیان مجدد آنها را در برابر نفع اشخاص نسبت به پاک شدن سوابق آنها در اینترنت قرار می‌دهد. از این‌رو اعطای اختیار تصمیم‌گیری و نیز حذف اطلاعات به کنترل‌کنندگان، آنها را در خط مقدم فرآیند متعادل کردن حقوق بشری قرار می‌دهد که بی‌شک خارج از صلاحیت آنها است.

از سوی دیگر، عملکرد کنترل‌کنندگان داده‌ها در زمینه اعمال حق بر فراموش شدن فاقد شفافیت است. شرکت‌های کنترل‌کننده داده‌ها بر خلاف نهادهای دولتی فاقد شفافیت در عملکرد و پاسخگویی در برابر اعمال خود هستند.^۱ از این‌رو امکان ارزیابی عملکرد آنها در ارتباط با حقوق افراد وجود نخواهد داشت. به‌علاوه باید دقت داشت که سپردن اختیار تصمیم‌گیری در خصوص اعمال حق بر فراموش شدن به دست کنترل‌کنندگان داده‌ها می‌تواند تعارض منافع را در پی داشته باشد و از این‌رو در خصوص اعمال صحیح و مؤثر این حق تردیدهایی را به میان آورد. به‌عنوان مثال، شرکت گوگل به‌عنوان یک کنترل‌کننده وظیفه خود را فراهم آوردن حداکثر دسترسی

1. Faguy, Yves, "How Would a Right to be Forgotten be Enforced", National Legal Insights and Practice Trends, 2014. Available at: www.nationalmagazine.ca/Blog/August-2014/How-would-the-right-to-be-forgotten-be-enforced.aspx.

به اطلاعات برای کاربران می‌داند. این کنترل‌کننده بنا بر کارکرد اولیه خود رویکرد و عقیده خاصی نسبت به مقوله نفع عموم دارد و آن را مترادف با فراهم آوردن بیشترین اطلاعات برای کاربران خود می‌داند. از این‌رو در مواجهه با درخواست‌های حذف اطلاعات و در حالی که از اختیار تصمیم‌گیری برخوردار است، بی‌شک گرایش بیشتری به حفظ اطلاعات خواهد داشت.

مسأله ضمانت اجرای عدم انطباق با مقررات مربوط به این حق، ایراد دیگری است که می‌تواند از نظام طراحی‌شده برای اعمال حق بر فراموش شدن ناشی شود. ماده ۷۹ مقررہ پیشنهادی، بر این نکته تأکید دارد که مقام نظارتی باید مجازاتی برابر با حداکثر ۵۰۰ هزار یورو برای افراد و تا سقف ۱٪ درآمد جهانی برای شرکت‌هایی که عمداً یا سهواً مطابق با مقررات مربوط به حق بر فراموش شدن عمل نکنند، تحمیل کند. مطابق مقررہ مذکور این مجازات نسبت به افراد یا شرکت‌هایی که همه تدابیر لازم برای اطلاع به طرف‌های ثالث در خصوص اینکه فرد موضوع داده‌ها خواستار پاک شدن پیوندها یا کپی‌های موجود از داده‌های شخصی خود است را اتخاذ نکنند نیز قابل اعمال خواهد بود. این ماده از طریق تعیین مجازات برای کنترل‌کنندگان داده‌ها، ضمانت اجرایی برای حق بر فراموش شدن در اینترنت فراهم آورده است و از آن جهت که احترام به این حق نوظهور را تضمین کند، امری مثبت به نظر می‌رسد. با این وجود وضع این شکل از مجازات می‌تواند تهدیدهای بالقوه‌ای را برای آزادی بیان در پی داشته باشد.

میزان مجازات‌های مقرر شده در ماده فوق‌الذکر چنان زیاد است که می‌تواند شائبه واکنش افراطی کنترل‌کنندگان نسبت به حذف داده‌های شخصی را در پی داشته باشد. به‌عنوان مثال در خصوص شرکت‌های بزرگی همچون گوگل که بی‌تردید درآمد جهانی بالایی دارند، تحمیل جریمه‌ای معادل ۱٪ درآمد سالانه جهانی برای هر مورد از عدم انطباق با مقررات حق بر فراموش شدن، می‌تواند ضررهای مالی سنگینی را برای آنها در پی داشته باشد. این نگرانی در خصوص کنترل‌کنندگانی که فعالیت‌های محدودتری دارند نیز وجود دارد.

در چنین وضعیتی، کنترل‌کننده انگیزه لازم برای ارزیابی مناسب درخواست‌های ارائه‌شده را از دست می‌دهد و این امکان وجود خواهد داشت که برای اجتناب از مجازات، به‌سهولت با درخواست‌های حذف موافق کند. بنابراین تحمیل چنین مجازات سنگینی بر کنترل‌کنندگان منجر به پیروی کورکورانه آنها از مقررہ می‌شود. در این حالت آنها در مواردی که باید در خصوص اعمال حق بر فراموش شدن به صورت موردی و با در نظر داشتن حق سایر کاربران بر آزادی بیان تصمیم‌کنند، تنها

می‌کوشند که با پذیرش درخواست ارائه‌شده از هرگونه مجازات احتمالی که ممکن است در نتیجه نوع ارزیابی آنها گریبان‌گیر آنها شود، اجتناب کنند. در چنین شرایطی، احتمال قوی وجود خواهد داشت که بیانات مشروع و قانونی سایر کاربران نیز محدود شود و عملاً استثنای پذیرفته شده در ماده ۱۷ برای حمایت از حق آزادی بیان نادیده گرفته شود. این وضعیت زمانی بغرنج‌تر می‌شود که در مقررہ پیشنهادی، ضمانت اجرایی برای جلوگیری از نقض حق آزادی بیان کاربران ثالث توسط کنترل‌کنندگان و در ارتباط با حق بر فراموش شدن در نظر گرفته نشده است؛ هرچند که مطابق استدلال‌های پیش‌گفته، تحمیل تکلیف متوازن کردن این دو حق بر کنترل‌کننده، از اساس تکلیفی مالایطاق است.

۳-۳. چارچوب‌های حقوقی مناسب برای اعمال حق بر فراموش شدن

به اجرا در آوردن حق بر فراموش شدن، بدون مشارکت و همکاری کنترل‌کنندگان عملاً ممکن نخواهد بود. اما به نظر می‌رسد که قانون‌گذاران اروپایی و نیز دیوان دادگستری اتحادیه اروپا در پرونده گوگل-اسپانیا نقش اغراق‌شده‌ای برای کنترل‌کنندگان قائل شده‌اند و عملاً این شرکت‌های خصوصی را به فعال‌میشاء در زمینه اعمال حق بر فراموش شدن و سایر حقوق مرتبط با آن تبدیل کرده‌اند. برای دستیابی به چارچوب حقوقی مطلوب برای اجرای حق بر فراموش شدن، لازم است که نقش کنترل‌کنندگان در کنار نقش افراد موضوع داده‌ها و طرف‌های ثالث در نظر گرفته شود و در نهایت تصمیم‌گیری اصلی به دست نهادهای عمومی ملی فعال در زمینه حفاظت از داده‌ها سپرده شود. این نهادها که براساس قانون عمل می‌کنند، با برخورداری از صلاحیت سرزمینی می‌توانند استانداردهای منطقه‌ای و بین‌المللی را در داخل مرزهای دولت‌ها اجرا کنند و کنترل‌کنندگانی که در مرزهای ملی مستقر هستند را تحت نظارت داشته باشند. در خصوص نحوه عملکرد نهادهای ملی در ارتباط با حق بر فراموش شدن، می‌توان الگوهایی را مدنظر داشت.

یکی از الگوهایی که می‌تواند برای اجرای حق بر فراموش شدن قابل تصور باشد، سیستمی مشابه قانون هزاره دیجیتال در حمایت از کپی‌رایت در آمریکا است.^۱ نظام طراحی شده در قانون مذکور ناظر به وضعیت‌هایی است که حق کپی‌رایت اشخاص در فضای اینترنت نقض شده و دارنده حق خواستار این است که محتویات ناقض ضوابط کپی‌رایت از صفحات اینترنت حذف شوند. بر خلاف نظامی که اتحادیه اروپا در ارتباط با حق بر فراموش شدن پیش‌بینی کرده و در آن نقش تعیین‌کننده‌ای به

1. Digital Millennium Copyright Act (DMCA), United States Congress, 1998.

کنترل کنندگان داده‌ها بخشیده شده است. قانون هزاره دیجیتال در حمایت از کپی‌رایت به شدت قدرت تشخیص و صلاح‌دید کنترل کنندگان داده‌ها در خصوص اینکه آیا محتویات مورد نظر ناقض ضوابط کپی‌رایت هستند یا خیر را محدود می‌کند. در حقیقت، تصمیم در خصوص حذف یا بقای اطلاعات مورد بحث توسط دادگاه و با حضور و مشارکت طرف‌های ذی‌نفع اتخاذ می‌شود. بنابراین می‌توان گفت که در این نظام نقش کنترل کنندگان تنها در اجرای دستورهای حذف که از سوی مراجع قضایی صادر می‌گردند، خلاصه می‌شود.^۱ البته این امکان وجود دارد که به جای محاکم قضایی، مراجع شبه‌قضایی یا مراجع قانونی دیگر همچون نهادهای حفاظت از داده‌ها نسبت به چگونگی اعمال حقوق اتخاذ تصمیم کنند.

البته باید دقت داشت که چارچوب پیش‌بینی شده توسط قانون هزاره دیجیتال، بیشتر به سمت تسهیل حذف داده‌ها و افزایش موارد حذف گرایش دارد. برخی از دیگر الگوهای موجود در ارتباط با حذف داده‌ها می‌توانند به گونه‌ای متعادل‌تر زمینه اجرای حق بر فراموش شدن را فراهم آورند. سازوکارهای اجرای قانون یکی از این قبیل الگوها هستند. مطابق این الگوها، وقتی یک نهاد اجرای که قانون خواستار دسترسی به محتویات یک حساب کاربری یا پست الکترونیکی است، ابتدا با توجه به محدوده صلاحیت خود از مرجعی قضایی یا شبه‌قضایی تقاضا می‌کند که دستور الزام‌ارائه‌دهنده خدمات کاربری (کنترل کننده) به در اختیار قرار دادن اطلاعات کاربر را صادر کند. در این الگو نیز مرجعی عمومی به جای کارشناسان شرکت‌های کنترل کننده داده‌ها در خط مقدم دفاع از حقوق کاربران و حفظ تعادل منافع فرد و جامعه قرار دارد. در چنین شرایطی، کنترل کننده به دو شکل می‌تواند واکنش نشان دهد: یا مطابق دستور مرجع عمومی، اطلاعات کاربر را در اختیار نهاد حفاظت از داده‌ها قرار دهد، یا نسبت به دستور مرجع مذکور اعتراض کند. پیش‌بینی امکان اعتراض کنترل کننده به دستور صادره، زمینه را برای محدودتر شدن موارد حذف و توجه بیشتر به سایر حقوق بشری دخیل در موضوع فراهم می‌آورد.

در مجموع می‌توان چنین نتیجه گرفت که مناسب‌ترین مرجع برای تصمیم‌گیری در خصوص اعمال حق بر فراموش شدن و نیز اجرای درخواست‌های ناظر بر اجرای این حق نهادهای حفاظت از داده‌های ملی یا مراجع قضایی هستند؛ زیرا بر خلاف کنترل کنندگان از صلاحیت متعادل کردن حقوق به موجب قانون برخوردار هستند و با توجه به اینکه به‌عنوان نهادی عمومی و بی‌طرف به گونه‌ای شفاف فعالیت می‌کنند،

1. Digital Millennium Copyright Act Section 512(c).

عملکرد آنها قابل ارزیابی و نظارت است و از این رو می‌توان به حفظ حقوق افراد موضوع داده‌ها از یک سو و منافع جامعه از سوی دیگر امید بست. در این میان باید دقت داشت که طولانی بودن جریان عادی رسیدگی‌های قضایی می‌تواند اجرای مناسب و مؤثر حق بر فراموش شدن را با دشواری مواجه کند. در راستای غلبه بر این مشکل پیش‌بینی سازوکارهای شکلی ویژه در قوانین برای رسیدگی فوری و خارج از نوبت به ادعاهای کاربران در رابطه با این حق، می‌تواند مفید و کارگشا باشد.



نتیجه‌گیری

اشاره صریح پیش‌نویس مقررہ عمومی حفاظت از داده‌های اتحادیه اروپا به حق بر فراموش شدن در محیط اینترنت، پرسش‌های گسترده‌ای را در خصوص ضرورت، مفهوم، مبانی و دامنه اعمال این حق پدید آورده است. با توجه به برخی از اسناد قانونی ملی و منطقه‌ای اتحادیه اروپا و نیز تأمل در آثار بعضی از نویسندگان حوزه حقوق بشر و اینترنت که در دو دهه اخیر نگارش یافته‌اند، می‌توان ردپاهایی از این حق را در ادبیات حقوقی سه دهه اخیر یافت. به عبارت دیگر اگرچه حق بر فراموش شدن مفهومی جدید و نوظهور به نظر می‌رسد، اما نمی‌توان آن را صرفاً محصول اراده کمیسیون اروپا دانست که به یکباره متجلی شده است.

در این نوشتار تلاش شد تا چالش‌های احتمالی پیش روی حق بر فراموش شدن در زمینه شناسایی قانونی و اجرا مورد تجزیه و تحلیل قرار گیرد. در این راستا لازم بود که رابطه میان این حق با برخی از دیگر حقوق بشری مرتبط مورد بررسی قرار گیرد. وجود ارتباط مستقیم میان حق بر فراموش شدن با برخی دیگر از حقوق بشری امری محرز است. این ارتباط گاه از نوع مثبت و حمایتی است و گاه منفی می‌باشد و حق بر فراموش شدن به وسیله این حقوق به چالش کشیده می‌شود. حق حریم خصوصی مهم‌ترین حق پشتیبان حق بر فراموش شدن به شمار می‌رود. حفاظت از داده‌ها از چنان ارتباط تنگاتنگی با حق حریم خصوصی برخوردار است که مطابق نظر برخی از نویسندگان می‌توان آن را وجهی از حق حریم خصوصی تلقی کرد. از این رو با پذیرش این فرض اولیه می‌توان چنین اظهار داشت که حق بر فراموش شدن که از جمله مسائل مربوط به حفاظت از داده‌ها است و ارکان آن با برخی از اصول حفاظت داده‌ها توجیه شده‌اند نیز ریشه در حریم خصوصی دارد. اصول حفاظت از داده‌ها به‌عنوان نسخه الکترونیکی حریم خصوصی، توجیه‌کننده حق بر فراموش شدن هستند و به واسطه قربت خود با حق حریم خصوصی، حق بر فراموش شدن را به جنبه‌ای نوظهور از این حق بدل می‌کنند. آزادی بیان از دیگر حقوق بشری است که با حق بر فراموش شدن در ارتباط است. از ابتدای طرح مفهوم حق بر فراموش شدن، نگرانی‌هایی در خصوص تأثیر نامطلوب اعمال این حق بر آزادی بیان در اینترنت وجود داشته است. با توجه به اسناد بین‌المللی و منطقه‌ای گوناگون، حق آزادی بیان در اینترنت نیز از قابلیت اعمال برخوردار است و از این رو گروهی بر این باور هستند که سپردن حق حذف داده‌ها به افرادی که داده‌ها با آنها مرتبط است، عملاً حق کاربران ثالث نسبت به باز نشر اطلاعات مربوطه و نیز گفت‌گو و تبادل نظر در خصوص آنها را محدود می‌کند. علی‌رغم توجه پیش‌نویس به ضرورت توازن میان این حقوق و ارائه برخی راهکارها در این ارتباط،

متأسفانه چارچوب مناسبی برای برقراری این توازن طراحی نشده است و می‌توان این چارچوب را نیازمند بازبینی و اصلاح دانست. این راهکارها با دو چالش عمده همراه هستند؛ از یک سو وظیفه دریافت و اجرای درخواست‌های حذف داده‌ها به عهده کنترل‌کنندگان داده‌ها قرار داده شده است و از سوی دیگر، مقرر می‌شود که حق بر فراموش شدن در اینترنت می‌تواند در مقابل حق بر آزادی بیان محدود شود. به‌طور کلی مورد اشاره قرار داده است. کلی‌گویی مقرر در این خصوص و عدم اشاره به جزئیات و ضوابط امر، عملاً ابتکار عمل را به‌طور کامل به دست کنترل‌کننده داده‌ها سپرده است.

در نتیجه این تحلیل‌ها به نظر می‌رسد که فرضیه طرح‌شده در خصوص وجود چالش میان حق بر فراموش شدن و حق آزادی بیان اثبات شده باشد. با این حال با بررسی چارچوب حقوقی فعلی حق بر فراموش شدن می‌توان دریافت که راهکارهایی برای غلبه بر این چالش قابل تصور است. با عنایت به ایرادات موجود در نظام طراحی‌شده برای حق بر فراموش شدن در پیش‌نویس مقرر عمومی حفاظت از داده‌ها، این نتیجه دریافت می‌شود که ابهامات موجود در این بخش از مقرر عملاً حق آزادی بیان را در موقعیتی به مراتب ضعیف‌تر از حق بر فراموش شدن قرار داده و چالش میان این دو حق را پررنگ‌تر کرده است.

با توجه به این امر که مقرر مورد بحث به درستی ضرورت توازن میان حق بر فراموش شدن و آزادی بیان را مورد تأکید قرار داده است، رفع پاره‌ای از ابهامات موجود در چارچوب فعلی می‌تواند به رفع تداخل میان دو حق کمک شایانی کند. رفع ابهامات موجود در مفاهیمی همچون داده‌های شخصی، اهداف رسانه‌ای و بیان ادبی و هنری (به‌عنوان تنها اشکال بیان که بر حق بر فراموش شدن مرجح هستند و به عبارتی استثنائات آن به شمار می‌روند) مانع تفسیرهای موسع از محدودیت وارده بر حق آزادی بیان می‌شود و با اصول حاکم بر محدودیت‌های این حق که در ماده ۱۹ میثاق حقوق مدنی و سیاسی ذکر شده‌اند، سازگار می‌شود. این سازگاری تا حدودی می‌تواند پاسخگوی چالش مهم پیش روی حق بر فراموش شدن، در زمینه تعارض آن با حق آزادی بیان، باشد. به‌علاوه، روشن شدن مفاهیم فوق‌الذکر توسط قانون‌گذار، تا حدودی می‌تواند ایراد مربوط به مسئولیت کنترل‌کنندگان در رسیدگی به درخواست‌های حذف را رفع کند.

منابع

- السان، مصطفی، حقوق فضای مجازی، نشر شهردانش، ۱۳۹۳.
- انصاری، باقر، حقوق ارتباطات جمعی، انتشارات سمت، ۱۳۸۶.
- پورقهرمانی، بابک؛ و علی صابرنژاد، حریم خصوصی در فضای سایبر از منظر حقوق بین‌الملل، انتشارات مجد، ۱۳۹۴.
- حبیب‌زاده، طاهر، حقوق فناوری اطلاعات: مقدمه‌ای بر تجارت الکترونیک، جلد اول، مرکز پژوهش‌های مجلس شورای اسلامی، ۱۳۹۰.
- قاری سیدفاطمی، سیدمحمد، حقوق بشر در جهان معاصر، جلد دوم، نشر شهر دانش، چاپ دوم، ۱۳۸۹.
- موسی‌زاده، ابراهیم؛ و فهیم مصطفی‌زاده، «نگاهی به مفهوم و مبانی حق بر حریم خصوصی در نظام حقوقی عرفی»، دانش حقوق عمومی، شماره ۲، ۱۳۹۱.
- هیک، استیون؛ و اریک هوسکینز، حقوق بشر و اینترنت، ترجمه قاسم زمانی، انتشارات خرسندی، چاپ دوم، ۱۳۹۲.
- Ambrose, Meg Leta, "Peaking of Forgetting: Analysis of Possible Non-EU Responses to the Right to be Forgotten and Speech Exception", The 41st Research Conference on Communication, Information and Internet Policy, George Mason University, Arlington, USA, 2013.
- Balkin, Jack, "Digital Speech and Democratic Culture: A Theory of Freedom of Expression for the Informational Society", New York University Law Review, Vol. 7, 2004.
- Bozovic, Miran, Jeremy Bentham and the Panopticon Writings, Verso, 1995.
- Blanchette, Jean-francios; and Deborah Johnson, "Data Retention and the Panoptic Society: The Social Benefits of Forgetfulness", The Information Society, No. 45, 2002.
- Conley, Chris, "The Right to Delete", AAAI Spring Symposium Series, 2012.
- Declaration of Principles Building the Information Society: A Global Challenge in the New Millennium, World Summit on the Information Society, Geneva, Article 56, Document: WSIS-03/Geneva/ Doc 4-E, 2003.
- Dodge, Martin; and Rob Kitchin, "Suggestion for Designing Outlines of a World Coming in Existence, Computing and Ethics of Forgetting", Environment and Planning, Vol. 34, 2007.

-
- Faguy, Yves, "How Would a Right to be Forgotten be Enforced", National Legal Insights and Practice Trends, 2014. Available at: www.nationalmagazine.ca/Blog/August-2014/How-would-the-right-to-be-forgotten-be-enforced.aspx
 - Flaherty, David, Protecting Privacy in Surveillance Society: The Federal Republic of Germany, Sweden, France, Canada and United States, University of North Carolina Press, 1989.
 - Foucault, Michel, Surveillé et Punir: Naissance de la Prison, Gallimard, 1975.
 - Gandy, Oscar, The Panoptic Sort: A Political Economy of Personal Information, Westview, 1993.
 - Google Spain SL and Google Inc. v. Agencia Española de Protección de Datos (AEPD) and Mario Costeja Gonzalez, European Court of Justice, Judgment of the Grand Chamber, 2014.
 - Iglezakis, Ioannis, "The Right to be Forgotten in the Google Spain Case: A Clear Victory for the Data Protection or an Obstacle for the Internet", 4th International Conference on Information Law, 2014.
 - Joint Declaration on Freedom of Expression and Internet, International Mechanism for Promoting Freedom of Expression, 2011.
 - Koops, Bert-Jaap, "Forgetting Footprints, Shunning Shadows: A Critical Analysis of the Right to be Forgotten in Big Data Practice", Tilburg Law School Legal Studies Research Paper Series, No. 8, 2012.
 - Korenhof, Paulan, "Forgetting Bits and Pieces: An Exploration of the Right to be Forgotten in Online Memory Process", Tilburg Institute for Law and Technology Working Paper Series, No.4, 2013.
 - Lagone, Laura, "The Right to be Forgotten: A Comparative Analysis", Fordham University Working Paper Series, 2012.
 - Land, Molly, "Toward an International Law of the Internet", Harvard International Law Journal, Vol. 54, 2013.
 - Mandel, Toby; et al, Global Survey on Internet Privacy and Freedom of Expression, UNESCO Series on Internet Freedom, 2012.
 - Mayer-Schonberger, Victor, Delete: The Virtue of Forgetting in The Digital Age, Princeton University Press, 2011.
 - Mayer-Schonberger, Victor, "Useful Void: The Art Of Forgetting in the Age of Ubiquitous Computing", Harvard University Faculty Research Working Paper Series, 2007.

-
- Mayer-Schonberger, Victor, "Why We Need to Let Our Online Memories Go", The Washington Post, 2012. Available at: http://www.washingtonpost.com/opinions/why-we-need-to-let-our-online-memories-go/2012/11/23/29d0e54e-33ec-11e2-bfd5-e202b6d7b501_story.html
 - McNealy, Jasmine, "The Emerging Conflict Between Newsworthiness and the Right to be Forgotten", Northern Kentucky Law Review, Vol. 39, 2012.
 - Mitrou, Lilian; and Maria Karyada, "EU's Data Protection Reform and the Right to be Forgotten", 5th International Conference of Information Law and Ethics, 2012.
 - Murata, Kiyosh; and Yohki Orito, "The Right to Forget/be Forgotten", Ethics in Interdisciplinary and Intercultural Relations, 2011.
 - Nunziato, Dawn, Virtual Freedom: Net Neutrality and Free Speech in the Internet Age, Stanford University Press, 2009.
 - Report of the Experts Meeting on Cyberspace Law, Monte-Carlo, Document: CII/USP/ECY/99/01, 1999.
 - Rosenne, Shabti, The Perplexities of Modern International Law, General Course of Public International Law, Nijhoff, 2003.
 - Shoor, Emily, "Narrowing the Right to be Forgotten: Why the Proposed European Union Needs to Amend the Proposed Data Protection Regulation", Brooklyn Journal of International Law, Vol. 39, 2014.
 - Smet, Stinj, "Freedom of Expression and the Right to Reputation: Human Rights Conflicts", American University International Law Review, Vol. 26, 2010.
 - The Promotion, Protection and Enjoyment of Human Rights in Internet, Human Rights Council: A/HRC/20/L13, 2012.
 - The Right to Respect of Privacy Family, Home and Correspondence and Protection of Honor and Reputation, United Nations Human Rights Committee, General Comment No. 6, 1988.
 - Thierer, Adam, "The Pursuit of Privacy in the World Where Information Control is Failing", Harvard Journal of Law and Public Policy, Vol. 36, No. 2, 2013.
 - Ambrose, Meg Leta, "Peaking of Forgetting: Analysis of Possible Non-EU Responses to the Right to be Forgotten and Speech Exception", The 41st Research Conference on Communication, Information and Internet Policy, George Mason University, Arlington, USA, 2013.
 - Warren, Samuel; and Louis Brandis, "The Right to Privacy", Harvard Law Review, No.4, 1890.

-
- Werro, Franz, "The Right to Inform V. The Right to be Forgotten: A Transatlantic Clash", Georgetown University Research Paper No. 2, 2009.
 - Westin, Alan, Privacy and Freedom, Bodley Head, 1967.
 - Zittrain, Jonathan, "Be Careful What You Ask for: Reconciling a Global Internet and Local Law", Harvard Law School Public Law Research Paper, No. 60, 2003.

